

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ  
مُحَمَّدِ



عجل الله تعالى فرجه الشريف

# مطرب موسی

از دیدگاه اهل سنت

حسن طاهری پور همدانی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## فهرست

- ۵ ..... □ فهرست
- ۷ ..... □ پیش‌گفتار
- ۹ ..... □ مقدمه
- ۹ ..... ○ فطرت و دین
- ۱۲ ..... ○ فطرت و امامت
- ۱۴ ..... ○ فطرت و مصلح جهانی
- ۱۶ ..... ○ پندارهای باطل درباره مصلح جهانی
- ۱۹ ..... ○ حضرت مهدی علیه السلام در کتابهای علمای اسلامی
- ۲۰ ..... ○ حضرت مهدی علیه السلام در گفتار علمای بزرگ اهل سنت
- ۲۳ ..... ○ مهدی علیه السلام در آئینه روایات
- ۲۳ ..... ○ حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم
- ۲۵ ..... ○ حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام
- ۲۵ ..... ○ حضرت فاطمه زهرا علیها السلام
- ۲۶ ..... ○ حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام
- ۲۷ ..... ○ حضرت امام حسین سیدالشهدا علیه السلام

## مهدی منتظر

- ۲۷ ..... حضرت امام زین العابدین علیه السلام
- ۲۸ ..... حضرت امام محمد باقر علیه السلام
- ۲۹ ..... حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
- ۳۰ ..... حضرت امام موسی کاظم علیه السلام
- ۳۱ ..... حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام
- ۳۲ ..... حضرت امام محمد جواد علیه السلام
- ۳۳ ..... حضرت امام هادی علیه السلام
- ۳۳ ..... حضرت امام حسن عسکری علیه السلام
- ۳۴ ..... حضرت امام حجة بن الحسن القائم علیه السلام
- ۳۶ ..... القاب حضرت حجة بن الحسن القائم علیه السلام
- ۳۷ ..... عقیده اهل السنة و الاثر فی المهدي المنتظر
- ۵۱ ..... بعضی از علمای مؤلف کتاب در خصوص مهدی
- ۵۹ ..... بعضی احادیث وارده در صحیحین در شأن مهدی
- ۶۰ ..... دلالت احادیث وارده در صحیحین
- ۶۳ ..... احادیث وارده در غیر صحیحین
- ۷۴ ..... حسن ختام

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## پیش‌گفتار

و الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على سيدنا محمد و آله الطاهرين و لعنة الله على اعدائهم اجمعين .

جزوه‌ای توسط یکی از دانشجویان اهل تسنن به دستم رسید به نام « عقیده اهل السنة و الاثر فی المهدی المنتظر » که ظاهراً تقریر درس استاد شیخ عبدالمحسن العباد از علمای اهل تسنن و استاد دانشگاه است .

او در این جزوه ، مباحث تحقیقی و ارزشمندی را در ضمن ده عنوان که بعداً خواهیم شمرد مطرح نموده ولی احتمالاً مقرر بحث ، به خوبی از عهده تقریر بر نیامده و لذا بعضی از عناوین در تفصیل مطالب ذکر نشده است اگرچه همان مقداری که بحث نموده نشان می‌دهد که این دانشمند تتبع خوبی در متون اسلامی که مربوط به حضرت مهدی علیه السلام است انجام داده و سپس مطالب خود را با سلیقه جالبی دسته‌بندی کرده و به گونه‌ای ارائه می‌نماید که عبارات آن در عین اختصار کلیات مطالب

را در مورد آن حضرت از جوامع روایی متضمن بوده و اسامی صحابی پیامبر گرامی اسلام ﷺ را که روایات و احادیث حضرت مهدی علیه السلام را از آن بزرگوار نقل کرده‌اند و همچنین نام علمای بزرگواری را که مدعی تواتر اخبار در مورد امام مهدی هستند، شامل است.

به همین جهت تصمیم گرفتم این جزوه را که به زبان عربی معاصر تدوین شده بود به زبان فارسی ترجمه نمایم تا همگان از مطالب آن بهره‌مند شوند و بدانند که مسئله حضرت مهدی روحی فداه و انتظار ظهورش از مسلمات دین مبین اسلام است و اختصاص به شیعه ندارد. یادآور می‌شود که عبارات عربی جزوه مذکور خالی از نقص و اضطراب نبود و به هنگام ترجمه، آن نواقص برطرف شده به صورت ساده و روان تدوین گردید.

قبل از آنکه به اصل متن پردازیم مقدمه‌ای کوتاه و مفید و تا حدی جامع بیان خواهیم نمود ان شاء الله تعالی.



## مقدمه

### فطرت و دین

قال الله تعالى: **فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا**.<sup>۱</sup>

بنابر مفهوم آیه شریفه دین مبین اسلام بر اساس فطرت بشری تأسیس شده و لذا هرکسی بالفطره به سوی اسلام و مسائل اصلی آن رهنمون می‌گردد.

توضیح اینکه در فطرت و ذات بشر معارفی بالقوه لحاظ شده که نسبت به آن معارف نیاز به تعلیم و تعلم نیست مثل حس زیبایی که چون یکی از ابعاد فطرت است نیازی به آموزش آن نیست که هنگامی که انسان به حد تمیز رسید برای او کلاس و جلسه‌ی درسی تشکیل دهند تا زیباییها و زشتیها را به او بیاموزند

فطرت فرستاده تا انسانهای منحرف را از عبادت مخلوق به عبادت خالق راهنمایی کند و حجت خدای متعال بر مردم به اتمام برسد و خود فرموده است:

رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ لِيُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ  
الرُّسُلِ...<sup>۱</sup>

بنابراین مسئله انبیاء عليهم السلام با مردم در اصل خداشناسی نبود زیرا که آنها بالفطره خداشناس بوده و به سوی او حرکت می کردند بلکه مشکل در این بود که می خواستند آنها را از آن مصادیق مادی لاشعور که برای خود معبود انتخاب کرده بودند جدا نموده به سوی معبود حقیقی و ذات اقدس الهی راهنمایی کنند.

ولی چون این عقیده باطل را به وراثت از پدران جاهل خود اخذ نموده و در بین آنها این عقیده و عبادت رسم شده بود سماجت کرده از دستورات انبیاء عليهم السلام سرپیچی می کردند زیرا که دو عامل وراثت و رسم موجب حبس فکری و تهجر در انسان می شود.

اکنون که روشن شد خداشناسی امری فطری است، اضافه می کنیم که بقیه اصول دین از قبیل توحید، عدل، معاد، نبوت و

۱ - نساء/ ۱۶۵: رسولان را فرستاد که بشارت دهند و (افراد منحرف را از

قهر و عذاب حق) بترسانند تا آنکه پس از فرستادن این همه رسولان،

مردم را بر خدا حجت نباشد.

امامت نیز فطری است. یعنی قطع نظر از دلایل نقلی و عقلی که بر اثبات این اصول اقامه شده مستقلاً از راه فطرت نیز می‌توان همه آنها را به اثبات رسانید که ما در جزوه مستقلی نسبت به استدلال این امور از راه فطرت مطالبی را بیان داشته‌ایم ولی در این مقدمه فعلاً مسئله امامت مطرح است به‌ویژه امامت حضرت مهدی موعود و توجیه انتظار جامعه بشری نسبت به ظهور آن مصلح عالم روحی و ارواح العالمین له الفداء.

## فطرت و امامت

امامت و پیشوایی جامعه از اصولی است که ضرورت آن نه تنها برای انسانها بلکه بر هر موجودی که زندگی جمعی برای او ضرورت داشته باشد محرز است از این رو اگر فطرت و غریزه را دو مقوله جدای از هم تلقی کنیم اصل امامت هم از طریق فطرت و هم از راه غریزه قابل اثبات است.

اما از راه فطرت باید گفت در هیچ زمانی، هیچ قومی زندگی نکرده که یکی از آنها پیشوا و مقتدای آنها نباشد حتی اگر عده‌ای از بچه‌ها دور هم جمع شده مشغول بازی شوند فردی را به عنوان مسئول و رئیس انتخاب می‌نمایند و این خود دلیل بر فطری بودن آن است که بدون نیاز به تعلیم فطرتاً مسئله را درک کرده بدان عمل می‌نمایند حتی انسانهای اولیه نیز طبق بررسیهای باستان‌شناسان به این اصل عمل می‌کردند.

و از طریق غریزه، موجوداتی از قبیل مورچه، زنبور عسل و موریانه که زندگی جمعی دارند به حکم غریزه مسئول و پیشوا انتخاب می نمایند و از او پیروی می کنند چنانچه اگر ملکه زنبور عسل از کندو خارج شود همه زنبورها به تبع او خارج می شوند و هر جا او استقرار پیدا کند آنان نیز مستقر می شوند. این موضوع و این برنامه در بین مورچه گان نیز جریان دارد که در همین رابطه داستان رهبر مورچه گان و حضرت سلیمان بن داود معروف است و در قرآن مجید مطرح شده که پیشوای مورچه گان وقتی جنود عظیم حضرت سلیمان را مشاهده کرد به پیروان خود دستور داد به لانه های خود پناه ببرند تا زیر پای لشکریان حضرت سلیمان نابود نشوند:

يَا أَيُّهَا النَّملُ ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَ جُنُودُهُ وَ هُمْ لَا يَشْعُرُونَ.<sup>۱</sup>

و بر همین قیاس است وضعیت و زندگی موریانه ها که حیوان شناسان مطالب حیرت آوری در این خصوص در کتابهای خود نوشته اند.

در اینجا لازم است جهت اثبات این ضرورت به فرمایش مولای متقیان حضرت علی علیه السلام در خطبه چهارم نهج البلاغه استشهاد کنیم که می فرماید:

وَإِنَّهُ لَابُدُّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرًّا أَوْ فَاجِرٍ يَعْمَلُ فِي أَمْرِهِ الْمُؤْمِنُ وَيَسْتَمْتَعُ فِيهَا الْكَافِرُ.

برای مردم [وجود و حضور] امیر و فرمانروا ضرورت دارد [و در اصل این ضرورت فرقی نمی‌کند که] نیکوکار باشد و یا فاجر، تا در تحت مدیریت او مؤمن بتواند به زندگی خود ادامه دهد و کافر نیز به لذایذ مادی خود نایل آید [و جامعه از هرج و مرج نجات پیدا کند].  
که از این بیان نورانی استفاده می‌شود که حتی وجود امیر و فرمانروای فاجر بهتر از عدم آن است. و نیز می‌فرماید:

لَوْ بَقِيَتِ الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ لَسَاخَتْ.<sup>۱</sup>

اگر زمین بدون پیشوا باشد از هم خواهد پاشید.

از این دو روایت ضرورت و فطری بودن امامت استفاده می‌شود.

## فطرت و مصلح جهانی

اکنون بینیم مسئله انتظار فرج و ظهور مصلح و پیشوای جهانی اختصاص به شیعه دارد یا به عموم مسلمین و یا به قاطبه جوامع بشری مربوط می‌شود که در فرض سوم (به همه بشر مربوط باشد) فطری بودن آن نیز روشن خواهد شد. زیرا دو اصل علامت فطری و غریزی بودن است یکی اینکه در امور

غریزی و فطری نیاز به تعلیم و تعلم نیست چنانچه قبلاً اشاره شد و نشانه دوم فراگیر بودن آن است یعنی امور فطری و غریزی اختصاص به نژاد و قشر خاصی از جامعه ندارد مانند محبت مادر نسبت به فرزندش که در جوامع اجتماعی بشری استثنا نمی پذیرد.

در موضوع انتظار فرج و اعتقاد به وجود مصلح حقیقی عالم ولو در پشت پرده غیبت می توان ادعا نمود که آن از امور فطری است زیرا از سویی این اعتقاد برخاسته از درون انسانها است مانند اصل امامت و امام که قبلاً بررسی شد و از سویی دیگر مسئله ای عمومی است که فراتر از سطح سنی و شیعه مطرح می باشد.

توضیح اینکه با دلایلی که بعداً بیان خواهیم داشت همه ملل و نحل به نحوی در انتظار فرج هستند و اعتقاد دارند که در پشت پرده غیبت مصلحی در انتظار است که روزی ظهور نموده و جهان را پر از عدل و داد خواهد نمود. جز آنکه در مصداق و نام این مصلح به اشتباه افتاده اند. دقیقاً مانند خداشناسی و خداگرایی که پیشتر به آن اشاره کردیم و گفتیم همه انسانها از فطرت و درون خود به سوی خداوند سبحان خوانده می شوند و این ندای درونی را نیز لبیک می گویند و به سوی حضرتش حرکت می کنند ولی به دلیل قصور فهم و محدودیت فکر، خدا و معبود خود را در لابلای موجودات مادی و طبیعی تفحص کرده، هر قومی و بلکه

هر کسی چیزی را برای خود خدا می‌پندارد.

در خصوص مصلح جهانی نیز این اتفاق افتاده است که از سویی انسانها فطرتاً می‌یابند که برای جهان رهبر و امامی که حقیقتاً مصلح و عدل باشد ضرورت دارد و از سویی دیگر آن خصوصیات را در هیچ‌یک از مدعیان حقوق بشر مشاهده نمی‌کنند و وجدانشان به آنها قانع نمی‌شود و لذا همه می‌گویند مصلحی در پشت پرده غیبت قرار دارد که روزی ظهور خواهد نمود در حالی که واجد همه شرایط رهبری و امامت است گرچه در مصداق و نام او منحرف شده به بیراهه رفته‌اند که از این گرایش‌های باطل چند نمونه بیان خواهیم داشت.<sup>۱</sup>

### پندارهای باطل درباره مصلح جهانی

- ۱ - ایرانیان باستان معتقد بودند که گرزاسپه قهرمان تاریخی آنان زنده است و در کابل زندگی می‌کند و صد هزار فرشته او را پاسبانی می‌کند تا روزی قیام کند و جهان را اصلاح نماید.
- ۲ - گروهی دیگر از ایرانیان می‌پنداشتند که کیخسرو پس از

---

۱ - نمونه‌ها را از کتاب خورشید پنهان آورده‌ایم که البته در آن کتاب بیست مورد از ادیان مختلف را که در انتظار مصلح عالم هستند با ذکر نام‌های متعددی که برای مصلح منتظر از پیش خود انتخاب نموده‌اند استشهاد کرده است و ما ذکر همه آنها را در اینجا لازم نمی‌دانیم بلکه به چند مورد از باب نمونه اکتفا می‌کنیم.

تنظیم کشور و استوار ساختن فرمانروایی و پادشاهی برای فرزند خود به کوهستان رفت و از آن زمان در آنجا آرمیده تا روزی که ظاهر شود و گیتی را از اهریمنان پاک نماید.

۳ - برهمنیان معتقدند شخصی به نام ویشنو قیام خواهد کرد.

۴ - ساکنان جزایر انگلستان از چندین قرن پیش منتظرند که شخصی به نام آرتور روزی از جزیره آوالون ظهور نماید.

۵ - نصارا و مسیحیت نیز به وجود مهدی قائلند و می‌گویند که در آخر الزمان ظهور خواهد کرد و عالم را خواهد گرفت ولی در اوصافش اختلاف دارند (بلکه احیاناً این مصلح را خود حضرت عیسی علیه السلام می‌شناسند).

۶ - چینی‌ها اعتقاد دارند که فردی به نام کرشنا ظهور کرده جهان را نجات خواهد داد.

و موارد دیگری که از ذکر آنها صرف نظر شد.

از مجموع این عقاید روشن می‌شود که نه تنها اصل امامت فطری است بلکه اعتقاد به وجود و ظهور مصلح عالم‌گیر نیز در همین رابطه است پس کسانی که منکر غیبت و ظهور حضرت خاتم الاوصیاء امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باشند از مسیر فطرت خارج شده منحرف گشته‌اند.

در خاتمه این بحث نکته‌ای که ذکر آن لازم و ضروری به نظر می‌رسد آن است که هیچ میل فطری و غریزی در مخلوقات



وجود ندارد که دین مقدس اسلام بدان پاسخ نداده باشد زیرا در غیر این صورت در نظام خلقت کاستی و خیانت احساس می شود. بنابراین اگر تشنگی در موجودات اعم از نبات، حیوان و انسان وجود دارد آب نیز خلق شده و اگر غریزه جنسی در انسان و حیوان هست وسیله دفع آن نیز آفریده شده از ناحیه فطری. اگر انسانها میل به خلود دارند عالم جاویدان که عالم آخرت است نیز خلق شده و .... در نتیجه اگر فطرت بشر طالب پیشوا و رهبری شایسته باشد که واجد همه فضایل اخلاقی و از هر نوع رذیله‌ای بری بوده، قطعاً از نظر اسلام برای پاسخ به این طلب و میل مصداقی در خارج باید باشد که همان مهدی موعود علیه السلام است. و در سخن آخر به عبارتی می شود گفت: نفس میل فطری و غریزی به چیزی دلیل بر وجود آن چیز است و الا فطرت و غریزه به آن میل نمی کرد.<sup>۱</sup>

اکنون که به حکم فطرت ضرورت وجود مصلح و پیشوایی حقیقی ولو در پشت پرده غیبت به اثبات رسید نوبت آن می رسد که موضوع را از دیدگاه علما و احادیث اسلامی بررسی کنیم.

۱ - و این امری کاملاً متفاوت با موارد مورد توجه امیال و هواهای نفسانی است چرا که نسبت به اثبات وجود آن چیزی که امیال و هواهای نفسانی در پی دستیابی به آن است هیچ گونه تضمینی وجود ندارد زیرا که خواسته‌ها و خواهش‌های نفس لایتناهی و اعم از حق و باطل بوده که در مورد اول ممکن و در دیگری می تواند ممکن و نیز محال باشد.

## حضرت مهدی علیه السلام در کتابهای علمای اسلامی

خوشبختانه در بین همه ملل و نحل که با نامها و مصداقهای مختلف به انتظار آن مصلح صالح نشسته‌اند قاطبه مسلمان اعم از شیعه و سنی در این خصوص اتفاق نظر دارند که نام مبارک او مهدی و از اولاد حضرت علی و فاطمه علیهما السلام است و کتابهای متعددی در این رابطه از هر دو گروه به رشته تحریر درآمده است. استاد علی دخیل در کتاب خود الامام المهدی دویست و پنج کتاب از بزرگان علمای اهل تسنن را نام می‌برد که فقط در مورد حضرت مهدی علیه السلام تألیف نموده‌اند.

و حضرت آیه الله حسن زاده آملی در کتاب خویش نهج الولاية چنین می‌فرماید:

از صدر اسلام تاکنون کتابهایی بسیار از علمای دین تألیف شده و نوعاً محتوای اغلب آنها روایات پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و اوصیای آن بزرگوار است که در امامت و غیبت حضرت مهدی علیه السلام اخبار

به غیبت فرموده‌اند علاوه اینکه مؤلفات عدیده‌ای در امامت ائمه اثنا عشر علیهم‌السلام نوشته‌اند و کمتر مسئله‌ای است که در اصول عقاید به اندازه امامت در آن بحث کرده و کتاب تألیف نموده باشند. در این باره رجال نجاشی، رجال کشی، فهرست شیخ طوسی، و خلاصه علامه حلّی و فهرست ابن ندیم، و کشف الظنون، مجالس المؤمنین قاضی، روضات خوانساری، الذریعه تهرانی و دهها و بلکه صدها کتاب رجال دیگر بر این مدّعی شاهی صادق‌اند و تنها مرحوم آغابزرگ در الذریعه بیش از یکصد کتاب قدما را در امامت و غیبت امام قائم علیه‌السلام نام می‌برد.

### حضرت مهدی علیه‌السلام در گفتار علمای بزرگ اهل سنت

در اینجا شمه‌ای از گفته‌های دانشمندان بزرگ اهل سنت را در مورد حضرت مهدی علیه‌السلام می‌آوریم:

۱ - ابن ابی‌الحدید معتزلی در شرح نهج‌البلاغه جلد سوم بیان می‌دارد: اصحاب ما معتزله اعتقاد دارند که این وعده ظهور امامی است که بر همه کشورهای مستولی خواهد شد و او همان مهدی موعود اسلام است.

۲ - محی‌الدین عربی در فتوحات مکیه آورده است که خروج مهدی حتمی است ولی قیام نمی‌کند تا وقتی که زمین پر از ظلم و جور باشد که آن را پر از عدل و داد خواهد فرمود و او

از خاندان رسول و از فرزندان فاطمه است. جد اعلایش علی و پدر بزرگوارش حسن عسکری است.

۳ - جلال‌الدین سیوطی که از دانشمندان به نام اهل سنت و از علمای قرن هشتم می‌باشد و حدود سیصد جلد کتاب گران‌سنگ از او به چاپ رسیده می‌گوید: حضرت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: من انکر خروج المهدی فقد کفر.

هرکس خروج مهدی را منکر شود کافر است.

۴ - محمد بن یوسف گنجی می‌گوید: مهدی فرزند امام حسن عسکری است و او از روز غیبت تا کنون زنده و باقی است و این امر محالی نیست به دلیل زنده و باقی بودن خضر و عیسی عَلَيْهِمَا السَّلَام. و نیز در کتابهای معتبر اهل سنت مسئله امام قائم عَلَيْهِ السَّلَام مطرح است که در کتاب خورشید پنهان اسامی آن کتابها را بر شمرده از جمله:

صحیح بخاری جلد چهارم، کتاب الاحکام در باب نزول عیسی بن مریم موضوع مطرح شده است.

صحیح مسلم جلد اول باب الفتن و اشرط الساعة موضوع خروج حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام را مطرح کرده است.

در سنن ابن‌ماجه جلد دوم باب خروج المهدی مطالبی را در این خصوص آورده است.

و همچنین در سنن ترمذی باب ما جاء فی المهدی و نیز در

مسند احمد حنبل و دیگر کتب بزرگان علمای اهل سنت موضوع  
قیام قائم عليه السلام بیان گردیده که قسمت عمده آنها را در بخش آینده  
توضیح خواهیم داد ان شاء الله تعالی.

## مهدی علیه السلام در آئینه روایات

البته احادیث در مورد حضرت مهدی از طریق فریقین در حد تواتر است و در اینجا از باب نمونه فقط دو حدیث از حضرت ختمی مرتبت پیامبر گرامی اسلام و سیزده حدیث از بقیه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین نقل خواهیم نمود.

## حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

انبأ عبدالعزیز بن محمود بن البزاز عن ابن عمر قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: يخرج في آخر الزمان رجل من ولدي اسمه كاسمي وكنيته ككنيتي يملأ الارض عدلاً كما ملئت جوراً فذلك هو المهدي. وهذا حديث مشهورٌ و قد اخرج ابوداود و الزهري عن علي بمعناه و فيه: لو لم يبق من الدهر الا يوم واحد لبعث الله تعالى من

اهل بیته من یملاً الارض عدلاً<sup>۱</sup>.

ابن عمر روایت کرده از رسول گرامی اسلام ﷺ که فرمود: در آخر الزمان مردی از فرزندان من خروج و قیام خواهد کرد که هم نام و هم کنیه من است که زمین را پر از عدل و داد خواهد فرمود چنانکه آکنده از ظلم شده و این شخص همان مهدی است.

این حدیث نبوی حدیث مشهوری است که مضمون آن را ابوداود و زهری از علی علیه السلام نقل کرده اند با این تفاوت که حضرت فرموده: اگر از عمر دنیا یک روز هم باقی مانده باشد خداوند متعال از فرزندان من کسی را می فرستد که زمین را پر از عدل و داد نماید.

اخرج الطبرانی فی الاوسط عن ابن عمر: انّ النبی ﷺ اخذ بيد علی علیه السلام فقال: سيخرج من صلب هذا فتی یملاً الارض قسطاً و عدلاً فاذا رأیتم ذلك فعلیکم بالفتی التیمی فانه یقبل من قبل المشرق و هو صاحب رأیة المهدی.

طبرانی از فرزند عمر و او از حضرت رسول اکرم ﷺ روایت می کند که روزی آن بزرگوار دست علی علیه السلام را گرفت و فرمود: از صلب این مرد جوانی خروج خواهد کرد و زمین را پر از عدل و داد خواهد نمود. پس اگر آن وضع را مشاهده کردید به سوی جوان تیمی بشتابید

---

۱ - از جمله کتبی از اهل سنت که حدیث شریف را نقل نموده: تذکرة الخواص / ۲۰۴ الاربعین حدیثاً فی المهدی، حدیث ۱۹، عقد الدرر فی ظهور المنتظر، الفصول المهمة / ۲۷۴.

که از سمت مشرق حرکت خواهد کرد و او پرچم دار مهدی است.<sup>۱</sup>

### حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام

للقائم منّا غيبةً امدها طویل کانی بالشیعة یجولون جولان النعم  
فی غیبه یطلبون المرعی فلا یجدونه الا فمن ثبت منهم علی دینه  
ولم یقس قلبه لطول امد امامه فهو معی فی درجتی یوم القيامة.<sup>۲</sup>  
برای قائم ما غیبتی بسیار طولانی است و گویا من شیعیان را می نگرم  
که در غیبت او بسان گله بدون شبان سرگردانند؛ دنبال چراگاهند و  
نمی یابند.

آگاه باشید که هرکسی از اینان بر دین خویشان استوار باشد و قلبش  
به خاطر غیبت طولانی امام خود سخت نگردد چنین کسی در قیامت در  
درجه من و با من است.

### حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

جابر بن عبدالله می گوید: خدمت فاطمه زهرا علیها السلام رسیدم در  
محضرش لوحی بود که نام امامان از فرزندانش بر آن نوشته بود من  
دوازده نفر (با حضرت علی علیه السلام) شمردم که آخری آنان قائم بود سه  
محمد داشت چهار علی.

۱ - کتاب الفتاوی الحدیثیة / ۲۷ از کتب اهل سنت نیز این حدیث را نقل  
نموده است.

۲ - اکمال الدین / ۳۰۳.



حضرت امام حسن مجتبیٰ علیه السلام

اما علمتم انه ما منا احد الا و يقع في عنقه بيعة لطاغية زمانه الا  
القائم الذي يصلي روح الله عيسى بن مريم خلفه فان الله عز و جل  
يخفي ولادته و يغيب شخصه لئلا يكون لاحد في عنقه بيعة اذا خرج  
ذاك التاسع من ولد اخي الحسين، ابن سيّدة الاماء يطيل الله عمره في  
غيبه ثم يظهره بقدرته في صورة شابّ ابن دون اربعين سنة ذلك ليعلم  
ان الله تعالى على كل شيء قدير.<sup>۱</sup>

آگاه باشید که هر کدام از ما خاندان وحی و رسالت تحت سیطره و  
حاکمیت طاغوت زمانش زندگی می کند و به ناچار فشار ستم بر او  
تحمیل می گردد جز قائم همو که روح خدا عیسی بن مریم پشت سر او  
نماز می گزارد پس به درستی که خداوند منان ولادت او را مخفی و  
شخصیت او را نهان می دارد تا هنگامی که به دستور او ظهور کند  
در حالی که بیعت کسی در ذمه او نیست و تحت حاکمیت هیچ ظالمی  
زندگی نکند.

او نهمین امام از نسل برادرم حسین است و فرزند بهترین زنان،  
خداوند در پشت پرده غیبت عمری طولانی به او خواهد داد آنگاه  
به قدرت خویش او را به صورت جوانی با چهره ای کمتر از چهل سال  
ظاهر می سازد تا همگان بدانند که خداوند بر هر کاری توانا است.

### حضرت امام حسین سیدالشهداء علیه السلام

قال لعبدالله بن عمر: لو لم يبق من الدنيا الا يوم واحد لطوّل الله عزّ و جلّ ذلك اليوم حتى يخرج رجلٌ من ولدي يملأها عدلاً و قسطاً كما ملئت جوراً و ظلماً كذلك سمعت رسول الله يقول.<sup>۱</sup>

به عبدالله فرزند عمر فرمود: اگر از عمر این جهان تنها یک روز باقی مانده باشد خداوند متعال آن روز را طولانی می سازد تا مردی از فرزندان من ظهور کند و جهان را همانگونه که از ظلم و جور لبریز گشته است از عدالت و قسط مالا مال سازد این واقعیت را من به همین صورت که بیان داشتم از پیامبر اکرم شنیده ام.

### حضرت امام زین العابدین علیه السلام

يا اباخالد، انّ اهل زمان غيبته القائلين بامامته و المنتظرين ظهوره افضل من اهل كل زمان لانّ الله تبارك و تعالى اعطاهم من العقول و الافهام و المعرفة ما صارت به الغيبة عندهم بمنزلة المشاهدة و جعلهم في ذلك الزمان بمنزلة المجاهدين بين يدي رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم بالسيف اولئك المخلصون حقاً و شيعتنا صدقاً و الدعاة الى الله عزّ و جلّ سرّاً و جهراً.<sup>۲</sup>

ای اباخالد، مردم عصر غیبت او [حضرت مهدی علیه السلام] که به

۱- بحار الانوار ۵۱/۱۳۳.

۲- بحار الانوار ۳۶/۳۸۷.

امامت او معتقد و ظهورش را انتظار می‌کشند از مردم همه قرون و اعصار بهترند چرا که خداوند به آنان خرد و شناخت و بینشی داده است که عصر غیبت برای آنان بسان عصر ظهور است. خداوند سبحان به آنان پاداش جهادگرانی را می‌دهد که پیش روی پیامبر با شمشیر جهاد کردند؛ آنان به راستی خالصند و شیعیان حقیقی و راستین ما و فراخوان به سوی خداوند متعال در آشکار و نهان هستند.

### حضرت امام محمد باقر علیه السلام

یا ابا حمزة من المحتوم الذی حتمه الله تعالی قیام قائمنا فمن شك فیما اقول لقی الله تعالی و هو به کافر ثم قال: بابی و امی المسمی باسمی و المکنی بکنیتی السابع من بعدی بابی من یملاً الارض عدلاً و قسطاً كما ملئت ظلماً و جوراً.<sup>۱</sup>

ای ابا حمزه، از رخدادهایی که خداوند متعال وقوع آن را حتمی و قطعی ساخته است قیام قائم ما است.

هر کسی در آنچه می‌گویم تردید کند خداوند متعال را ملاقات خواهد کرد در حالی که به او کافر است.

آنگاه افزود: پدرم و مادرم فدای وجود گرانمایه او باد که همانم و هم‌کنیه من است و هفتمین امام پس از من است. پدرم فدای او باد که زمین را از عدل و داد پر خواهد کرد چنانکه از ظلم و ستم پر شده است.

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

یا ابابصیر، هو الخامس من ولد ابني موسى ذلك ابن سيدة الاماء  
 يغيب غيبة يرتاب فيها المبطلون ثم يُظهره الله عزّ و جلّ فيفتح على  
 يديه مشارق الارض و مغاربها و ينزل روح الله عيسى بن مريم عليها السلام  
 فيصلّي خلفه و تشرق الارض بنور ربها و لاتبقى في الارض بقعة  
 عبّد فيها غير الله عزّ و جلّ الا عبد الله فيها و يكون الدين كله لله ولو  
 كره المشركون.<sup>۱</sup>

ای ابابصیر، او پنجمین امام از نسل پسر م موسی می باشد و فرزند  
 بانوی کنیزان عصر خویش است .

بر او غیبتی خواهد بود که باطل گرایان در موردش تردید می کنند  
 سپس خداوند متعال او را ظاهر می سازد و به دست توانای او شرق و  
 غرب گیتی را می گشاید، روح خدا عیسی بن مریم علیها السلام فرود آمده و  
 به امامت او نماز می گزارد و زمین به نور پروردگارش روشن خواهد  
 شد .

در زمین هیچ نقطه ای نمی ماند که در آنجا غیر خدا پرستیده شود و  
 دین همه اش از آن خداوند سبحان می گردد هر چند مشرکان را خوش  
 نیاید .

توحیدگرایی و دین حق همه جا سایه گستر و حاکم گردد .

حضرت امام موسی کاظم علیه السلام

انا القائم بالحق و لكن القائم الذي يطهر الارض من اعداء الله تعالى و يملأها عدلاً كما ملئت جوراً هو الخامس من ولدي له غيبة يطول امدها خوفاً على نفسه يرتدّ فيها اقوام و يثبت فيها آخرون .

طوبى لشيعتنا المتمسكين بحبنا فى غيبة قائمنا الثابتين على موالاتنا و البراء من اعدائنا اولئك منا و نحن منهم قد رضوا بنا ائمة و رضينا بهم شيعة و طوبى لهم -هم- والله معنا فى درجتنا يوم القيامة .<sup>۱</sup>

یونس بن عبدالرحمن می گوید : وارد محضر امام کاظم علیه السلام شدم عرض کردم : آیا شما قائم به حق هستی ؟

فرمود : بلی من قائم به حق هستم اما آن قائمی که زمین را از دشمنان خداوند سبحان پاک می سازد و آن را آکنده از عدل و داد خواهد نمود پنجمین امام از نسل من است او به فرمان خدا و برای حفظ جان خویش غیبتی طولانی خواهد داشت به حدی که گروههایی راه ارتداد در پیش می گیرند و گروهی در دین خدا و اعتقاد به امامت ثابت قدم می مانند .

آنگاه فرمود : خوشابه حال شیعیان ما ، آنان که در عصر غیبت قائم ما به ریسمان ولایت و محبت ما ( اهل بیت ) چنگ زده و بر دوستی و

موالات ما پایداری نموده و به بیزاری و برائت از دشمنان ما استوارند .  
 آنان از ما هستند و ما از آنان ، آنان به امامت ما خشنودند و ما به  
 پیروی آنان از اهل بیت پیامبر خویش . راستی که خوشا به حال آنان  
 به خدای سوگند که آنان در روز رستاخیز با ما و در درجهٔ ما خواهند  
 بود .

### حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام

قال یادعبل ... الامام بعدی محمد ابنی و بعد محمد ابنه علی و  
 بعد علی ابنه الحسن و بعد الحسن ابنه الحجة القائم المنتظر فی  
 غیبه المطاع فی ظهوره لو لم یبق من الدنیا الا یومٌ واحد لطول الله  
 سبحانه ذلك الیوم حتی یخرج فیملأ الارض عدلاً كما ملئت جوراً .<sup>۱</sup>  
 ای دعبل ، ... امام پس از من پسر محمد است و پس از او پسرش  
 علی و پس از او پسرش حسن و پس از او پسرش قائم همو که در غیبتش  
 دیدگان در انتظارند و پس از ظهور مبارکش فرمانش را اطاعت  
 خواهند نمود .

( دعبل ، ) اگر از عمر جهان جز یک روز باقی نمانده باشد خداوند  
 متعال آن روز را آنقدر طولانی خواهد ساخت که او ظهور کند و زمین  
 را البریز از عدل و داد نماید همان گونه که آکنده از ظلم و جور بوده  
 است .

## حضرت امام محمد جواد علیه السلام

حضرت عبدالعظیم حسنی رضی الله عنه می فرماید: به امام جواد علیه السلام عرض کردم: سرورم امیدوارم شما قائم آل محمد باشید.

حضرتش فرمود:

ما منّا الا و هو قائمٌ بامر الله تعالى و هادٍ الى دين الله سبحانه  
ولكنّ القائم الذي يُطهر الله (عزّوجلّ) به الارض من اهل الكفر و  
الجحود و يملأها عدلاً و قسطاً هو الذي تخفى عن الناس ولادته و  
يغيب عنهم شخصه و يحرم عليهم تسميته و هو سمى رسول الله تعالى  
و كنيه و هو الذي تُطوى له الارض و يُذلّ له كل صعب.<sup>۱</sup>

همه ما قائم به امر خدای متعال هستیم و هدایتگر به سوی دین و  
آئین الهی می باشیم ولی آن قائمی که خداوند متعال به دست او زمین را  
از کفر و شرک و منکرین حق پاک می کند و سپس آن را پر از عدل و داد  
می نماید، کسی است که ولادتش از مردم پوشیده و مخفی می ماند و  
وجود مقدسش غایب می گردد و آوردن نام مبارک او به صراحت  
تحریم می گردد.

او همنام و هم کنیه با پیامبر اکرم است و کسی است که طی الارض  
خواهد داشت و به اذن خداوند قادر متعال هر سختی و مشکلی برایش  
سهل و آسان خواهد شد.

## حضرت امام هادی علیه السلام

عن الصدوق رحمته الله عن ابي دلف انه قال: سمعت عن الهادی علیه السلام يقول: ان الامام بعدی الحسن ابني و بعد الحسن ابنه القائم الذی یملاً الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً.<sup>۱</sup>

مرحوم صدوق از ابودلف نقل می کند که او می گوید: از امام هادی علیه السلام شنیدم که می فرمود: امام پس از من فرزندم حسن است و پس از او پسرش قائم همو که زمین را لبریز از عدل و داد خواهد نمود بعد از آنکه در آستانه ظهورش لبریز از ظلم و جور می باشد.

## حضرت امام حسن عسکری علیه السلام

عن احمد بن اسحاق عن حسن بن علی العسکری علیه السلام انه قال: الحمد لله الذی لم یخرجنی من الدنيا حتی ارانی الخلف من بعدی اشبه الناس برسول الله خَلَقاً و خُلُقاً یحفظه الله تبارک و تعالی فی غیبه، ثم یظهره فیملاً الارض عدلاً و قسطاً كما ملئت جوراً و ظلماً.<sup>۲</sup>

احمد بن اسحاق رحمته الله که یکی از بزرگان است می گوید: از امام حسن عسکری علیه السلام شنیدم می فرمود:

خداوند سبحان را سپاس که مرا از این جهان بیرون نبرد تا جانشین

۱- اکمال الدین ۲/ ۳۸۳.

۲- اکمال الدین ۲/ ۴۰۸.



و امام پس از مرا به من نشان داد. پسر من از نظر چهره و خلق و خوی شبیه‌ترین مردم به پیامبر اکرم است.

خداوند متعال او را در دوران غیبتش حفظ خواهد کرد و آنگاه او را فرمان ظهور خواهد داد و آن امام همام زمین را آکنده از عدل و داد خواهد نمود همان‌گونه که از ظلم و جور لبریز شده است.

### حضرت امام حجة بن الحسن القائم علیه السلام

در جلد سیزدهم بحار الانوار که به ترجمه دانشمند گرانقدر علی دوانی به چاپ رسیده و ما از کتاب مترجم ایشان نقل می‌کنیم که علاوه بر بحار احتجاج طبرسی نیز مطلب را از شیخ کلینی و او از اسحاق بن یعقوب نقل می‌کند به این‌که:

اسحاق بن یعقوب می‌گوید من از محمد بن عثمان خواهش کردم نامه مرا که مشتمل بر پاره‌ای از مسائل مشکله بود به ناحیه مقدسه تقدیم کند بعد از اینکه پذیرفت و تقدیم کرد، توقیعی در جواب سؤالات من به خط مبارک حضرت صادر شد.

(که ما در اینجا همه سؤالات و جواب نامه اسحاق بن یعقوب را نقل نمی‌کنیم بلکه آن قسمت مورد نظر را می‌آوریم) در جواب علت غیبت چنین جواب می‌فرمایند:

اما علت غیبتی که به وقوع پیوسته خداوند متعال می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءٍ إِنْ تُبَدَّ لَكُمْ تَسْؤُكُمْ. ۱

ای مؤمنین از چیزهایی که اگر برای شما آشکار شود شما را آزرده می‌کند سؤال ننمایید .

هریک از پدران من در زمان خود بیعت سلطان طاغی زمان خود را به گردن گرفت ولی من زمانی که ظهور می‌کنم بیعت هیچ‌یک از طاغیان زمان خود را به گردن ندارم .

اما کیفیت بهره‌ای که مردم در غیبتم از من می‌برند مانند انتفاع از آفتاب پنهان در ابرهاست . من امان مردم روی زمین هستم . همان‌طور که ستارگان امان اهل آسمان می‌باشند .

و درهای سؤال را از چیزهایی که مورد لزوم نیست ببندید و خود را برای دانستن چیزهایی که از شما نخواسته‌اند به مشقت نیاندازید بلکه زیاد دعا کنید برای تعجیل فرج زیرا دعا کردن در تعجیل فرج خود فرج است .



گفتنی است که روایات چهارده معصوم علیهم‌السلام را به استثنای چند مورد از کتاب آیه‌الله فقید سید محمد کاظم قزوینی که منابع را مشخص فرموده بود نقل نمودیم .

اینک با نقل القاب آن حضرت که ۷۳ لقب است از کتاب نهج‌الولایة آیه‌الله حسن‌زاده این مقدمه را به پایان می‌بریم .

## القاب حضرت حجة بن الحسن القائم عليه السلام

المهدى، الخلف، الناطق، القائم، الثائر، المأمول، المنتظر،  
الوتر، المديل، المعتصم، المنتقم، الكرّار، صاحب الرجعة  
البيضاء، الدولة الزهراء، القابض، الباسط، الساعة، القيامة،  
الوارث، الحاشر، سدرة المنتهى، الغاية القصوى، غاية الطالبين،  
فرج المؤمنين، منتهى العبر، مخبر بما لا يعلم، كاشف الغطاء،  
المجازى بالاعمال، من لم يجعل له من قبل سمياً اى مشبهاً ذات  
الارض، الهلول، الاعظم، اليوم الموعود، الداعى الى شىء نكر،  
مظهر الفضايح، مبلى السرائر، مبانى الآيات، طالب التراث، الفرع  
الاعظم، الاحسان، المحسن، العدل، القسط، الصبح، الشفق،  
عاقبة الدار، المنعم، الامان السناء، الضياء، البهاء، المجاب،  
المضىء، الحق، الصدق، الصراط، السبيل، العين الناظرة، الاذن  
السامعة، اليد الباسطه، الجانب، الجنب، الوجه، النفس، التأيد،  
التمكن، النصر، الفتح، القوة، العزة، القدرة، الملك، التمام.

## عقيدة اهل السنة و الاثر

### فی المهدی المنتظر

شیخ عبدالمحسن العباد

استاد دانشگاه

سپاس و ثنا خداوندی را سزا است که ما را به دین مبین اسلام هدایت نمود که اگر هدایت و رهنمود او نبود ما موفق به حرکت در طریق و راه اسلام نمی شدیم.

و نیز حمد و سپاس می گوئیم خداوند سبحان را بر نعمت های فراوانش و مسئلت داریم از ذات اقدسش که ما را پیش از پیش از فضل و کرمش بهره مند سازد.

پناه به حضرت حق سبحانه و تعالی می بریم از شرور نفس امّاره خود و از اعمال زشت و گناهانمان.

حقاً آن که را که خدای متعال هدایت نماید هیچ کس نمی تواند او را گمراه کند و آن که را که حق تعالی به واسطه گناهان و کردار

پلیدش از هدایت خود محروم نموده به ضلالت اندازد، هادی و راهنمایی نخواهد داشت.

و گواهی می‌دهم بر وحدانیت و یگانگی حضرت حق جل جلاله و اینکه ذات اقدسش بی‌شریک است و بی‌همتا، و گواهی می‌دهم که رسول گرامیش حضرت محمد مصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را برای هدایت بشر و تثبیت دین حق فرستاد تا دین مبین اسلام را در تمامی ابعادش ظاهر و آشکار نماید.

به همین جهت رسول گرامیش را مخاطب قرار داده فرمود: همانا تو مردم را به راه راست هدایت می‌کنی.

و گواهی می‌دهم که محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بنده او و فرستاده او و خلیل و منتخب او از بین مخلوقات است که برای هدایت و ارشاد همه مردم مبعوث گردیده است.

در حالی که مردم را به نعمت الهی و رحمت و مغفرتش بشارت داده و به عذاب و قهر و غضبش تهدید نموده از آن بر حذر می‌داشت و مردم را به اذن خداوند متعال به سوی او دعوت می‌فرمود و در آن حال وجود مبارک آن حضرت نسبت به جامعه تاریک بشری به منزله چراغی پرنور بود که آنها را از ضلالت به هدایت می‌رسانید و خدای سبحان توسط وجود مبارک آن بزرگوار اخبار و دستوراتش را به نحو کامل به بندگان اعلام فرمود، پس احکام و دستوراتش عین عدل، و اخبار و پیام‌هایش عین صدق است، از روی هوای نفس حرف

نمی‌زد بلکه هر مطلبی را بیان فرموده مطابق وحی و الهام پروردگار است.

خبر داد رسول گرامی امت خود را از ملل و اقوام گذشته به اخباری که حتماً یک مسلمان مؤمن باید آنها را یقین داشته تصدیق نماید که آن وقایع و حوادث مطابق بیان آن حضرت به طور قطع و یقین واقع گشته است.

همچنان که خبر داد از امور و وقایع آینده که آن نیز به حکم ایمان و اعتقاد بر هر مسلمان لازم است تصدیق آن امور و یقین به اینکه آن حوادث برابر نقلی که از حضرتش رسیده واقع خواهد شد.

و نیز آن بزرگوار هر چیزی که امت را به خدای متعال نزدیک می‌کند بیان کرده و مردم را به آن امور ترغیب فرموده و از هر شری که باعث شقاوت شود امت خود را برحذر داشته پس صلوات و سلام تام و کامل حضرت حق سبحانه و تعالی بر او و بر آل و اصحابش باد، آن اصحابی که خداوند منان به صحبت پیامبر گرامی خویش بر آنها شرافت بخشید و آنها را به جهت توفیق رؤیت جمال منورش در دنیا مکرم داشت و نعمت خود را بر انصار آن سرور به اتمام رسانید زیرا که آنها را حاملان سنت حضرتش قرار داد.

و درود و رحمتش بر کسانی باد که از اصحاب آن حضرت پیروی نمودند و راه آنها را ادامه دادند سلام و درودی که تا روز

قیامت ادامه داشته باشد.<sup>۱</sup>


---

۱ - با توجه و نظری اجمالی به احادیث و بیانات منقول از ناحیه شریفه حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله می توان دریافت که این صلوات و سلام و نیز پیروی از اصحاب آن وجود مقدس شامل آن دسته از اصحاب خواهد شد که بدون کمترین تردید و کوچکترین لغزشی در طریق و سبیل نجات بودند و تخطی از منویات آن پیامبر به حق و آل گرامش که خود فرمود: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِتْرَتِي» ننمودند و الا آن هم صحبتی و هم نشینی با رسول گرامی اسلام که موجب هدایت نگردد، کوچکترین شرافتی به همراه نخواهد داشت. بلکه پستی و دنائت است که هم نشینی و هم صحبتی با چنان شخصیتی بزرگوار کوچکترین تأثیری در ترقی و تعالی شخص نداشته باشد.

اما بعد

از جمله امور و حوادثی که در آینده به وقوع پیوسته و در آخر الزمان به هنگام نزول حضرت عیسی علیه السلام از آسمان به سوی زمین تحقق پیدا می کند خروج مردی از اهل بیت نبوت از اولاد حسن بن علی بن ابی طالب رضی الله عنه است که اسم ایشان مطابق اسم جد بزرگوارش حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است [دنباله این عبارت که در واقع جواب لما باشد در متن عربی گویا از قلم افتاده است.

ولذا شروع کرده به طرح عناوین دهگانه ای که در این جزوه مورد بحث قرار گرفته البته قبلاً هم اشاره کردیم در تفصیل مطلب

---

۱ - معلوم نیست نویسنده سهواً در اینجا حسن را به جای حسین نوشته ( زیرا بنا به نقلی یکی از امتیازات آن حضرت در مقابل ایثار و شهادت مظلومانه اش در کربلا آن است که حضرت مهدی علیه السلام از صلب او است ) یا منظور امام حسن عسکری علیه السلام است .



متأسفانه همه مطالب و عناوین نیامده در هر حال اجمال آن عناوین به این ترتیب است ( مترجم ) .

الف - ذکر اسامی آن عده از اصحاب پیامبر گرامی اسلام ﷺ که مستقیماً از شخص آن حضرت احادیث مهدی را نقل نموده‌اند .

ب - ذکر اسامی علما و پیشوایانی که احادیث و آثار وارده در شأن حضرت مهدی را استخراج و در کتب خود وارد نموده‌اند .

ج - ذکر اسامی علمایی که در مورد حضرت مهدی کتاب مستقلی نوشته‌اند .

د - ذکر نام آن دسته از علمایی که حکایت و ادعا نموده‌اند که احادیث وارده در خصوص حضرت مهدی در حد تواتر است و نقل کلامشان در این رابطه .

ه - بیان احادیثی که در صحیحین وارد شده و مربوط به حضرت مهدی می‌شود .

و - بیان بخشی از احادیثی که در شأن حضرت مهدی در غیر صحیحین از کتب علما وارد شده با بررسی اسانید بعضی از آنها .

ز - ذکر نام بعضی علمایی که احتجاج به احادیث مهدی کرده‌اند با اعتقاد به موجب آن و بیان کلامشان در این خصوص .

ح - ذکر نام بعضی از افرادی که از آنها حکایت می‌شود انکار

احادیث مهدی یا تردید در آن احادیث و ردّ کلام آنها به اختصار.  
 ط - ذکر بعضی مواردی که ممکن است کسی تصور کند آنها  
 با احادیث وارده در مورد مهدی تعارض دارد و بیان جواب آنها.  
 ی - اختتام کلام.

اما مطلب اوّل یعنی اسامی آن عده از صحابی که احادیث مهدی را  
 از رسول اکرم روایت کرده‌اند تا آنجا که من اطلاع پیدا کرده‌ام  
 بیست و شش نفرند به این ترتیب:

- ۱- عثمان بن عفان رضی الله عنه ،
- ۲- علی بن ابی طالب رضی الله عنه ،
- ۳- طلحة بن عبید رضی الله عنه ،
- ۴- عبدالرحمن بن عوف رضی الله عنه ،
- ۵- حسین بن علی رضی الله عنه ،
- ۶- امّ سلمه رضی الله عنها ،
- ۷- امّ حبیبه رضی الله عنها ،
- ۸- عبدالله بن عباس رضی الله عنه ،
- ۹- عبدالله بن مسعود رضی الله عنه ،
- ۱۰- عبدالله بن عمر رضی الله عنه ،
- ۱۱- عبدالله بن عمرو رضی الله عنه ،
- ۱۲- ابوسعید خدری رضی الله عنه ،
- ۱۳- جابر بن عبدالله رضی الله عنه ،

- ۱۴- ابوهریره رضی الله عنه ،
- ۱۵- انس بن مالک رضی الله عنه ،
- ۱۶- عمار بن یاسر رضی الله عنه ،
- ۱۷- عوف بن مالک رضی الله عنه ،
- ۱۸- ثوبان مولى رسول الله ﷺ ،
- ۱۹- قره بن ایاس رضی الله عنه ،
- ۲۰- علی الهلالی رضی الله عنه ،
- ۲۱- حذیفه بن یمان رضی الله عنه ،
- ۲۲- عبدالله بن حارث بن حمزه رضی الله عنه ،
- ۲۳- عوف بن مالک رضی الله عنه ،
- ۲۴- عمران بن حصین رضی الله عنه ،
- ۲۵- ابوالطفیل رضی الله عنه ،
- ۲۶- جابر الصدفی رضی الله عنه .

و چون احادیث و روایات کثیر و مستفیض از حضرت رسول اکرم ﷺ که مورد قبول و اعتقاد امت اسلامی است دلالت بر ظهور حضرت مهدی دارد موضوع بحث و تحقیق را در این خصوص قرار دادم زیرا:

اولاً: احادیث وارده در مورد مهدی در صحیحین به صورت تفصیل نیامده بلکه به نحو اجمال بیان گردیده ولی در غیر صحیحین روایاتی نقل شده که مفسر و مبین آن احادیث مجمل در صحیحین می باشد بنابراین ممکن است کسی تصور کند این وضع (عدم

تفصیل آن در صحیحین) از شأن موضوع و روایات وارده در مورد مهدی کاسته و ارزش آن را پایین آورده است.

ولی این خطا و اشتباهی واضح بیش نیست زیرا که روایات صحیح و حسن که در غیر صحیحین آمده بدون هیچ شکمی مورد قبول و اعتماد اهل حدیث است.

ثانیاً: اینکه بعضی از نویسندگان در زمان معاصر ناآگاهانه اقدام به طعن احادیثی نموده که در مورد مهدی وارد شده و این اقدام نه تنها از روی علم و آگاهی نبوده بلکه به علت جهل و نادانی طاعن و یا تقلید او از فردی است که به احادیث نبوی اعتنایی ندارد.

از جمله این افراد که اطلاع پیدا کرده‌ام شخصی است به نام عبدالرحمن محمد عثمان که تعلیقه و حاشیه‌ای بر کتاب تحفة الاحوذی زده و اخیراً در مصر به چاپ رسیده که در جزء ششم در باب ما جاء فی الخلفاء در حاشیه خود می‌گوید:

خیلی از علما نظرشان بر این است که احادیثی که در مورد مهدی وارد شده مشکوک است و صحّت نقل آن از حضرت رسول ثابت نیست بلکه همه آنها از موضوعات و جعلیات شیعه است. و نیز در جلد ششم در باب ما جاء فی تقارب الزمن و قصر الامل در حالی که قصدش پایین آوردن شأن و منزلت مهدی است، می‌گوید: خیلی از علمای مورد وثوق و حافظ حدیث معتقدند احادیثی که در خصوص مهدی وارد شده از

جعلیات فرقه باطنیه و شیعه و امثالهم است و نسبت این قبیل روایات به نبی اکرم درست نیست.

بلکه بعضی بیش از این تجرّی پیدا کرده و پا فراتر نهاده مانند محیی الدین عبدالحمید که در تعلیقه خود بر کتاب الحاوی للفتاوی که تألیف سیوطی است می گوید: در آخرین جزء از کتاب العرف الوردی فی اخبار المهدی ص ۱۶۶ بعضی از باحثین معتقدند هر حدیثی که در مورد مهدی یا دجال نقل شده از اسرائیلیات است.

و از همه اینها خطرناک تر و شکننده تر تعلیق و حاشیه ابوریه رئیس بعثه الازهر در لبنان است که در سال گذشته بر کتاب النهایة ابن کثیر نوشته و نتیجه و خلاصه کلامش آن است که همه احادیثی که در مورد مهدی، عیسی بن مریم، و دجال وارد شده رمز و کنایه از نصرت حق بر باطل است (به این معنی که مهدی و عیسی بن مریم و دجال واقعیت ندارد بلکه این قبیل تعابیر کنایه از پیروزی حق بر باطل است).

پس برای ردّ این خیالات واهی و بی اساس و به جهت اینکه بر هر فرد مسلمان که باید به اصلاح نفس خود پردازد لازم و ضروری است اخبار و بیان پیامبر خود را تصدیق نموده و نسبت به آن هیچ گونه شک و تردیدی به خود راه ندهد - چنانکه قبلاً اشاره کردیم - لازم دانستم در مورد حضرت مهدی بحث و تحقیق داشته باشم که عنوان این تحقیق و بحث را قرار دادم:

عقیده اهل السنة و الاثر فی المهدی المنتظر.

و من قبل از ورود به بحث لازم می‌دانم مخاطبین گرامسی را جهت آگاهی بیشتر راهنمایی کنم به اسامی علما و پیشوایانی که احادیث و آثار وارده در مورد مهدی را در کتابهای خود استخراج نموده‌اند.

احادیث و روایات مهدی را جماعت کثیری از علما و دانشمندان در صحاح - سنن، معاجم و مسانید - خود آورده‌اند که تعداد کسانی که اطلاع پیدا کردم در این رابطه بر کتب آنها یا بر ذکر تخریجشان نسبت به احادیث مهدی سی و هشت نفرند که ذیلاً بیان می‌شود:

- ۱ - ابوداود در سنن خود
- ۲ - ترمذی در جامع‌اش
- ۳ - ابن‌ماجه در سنن خود
- ۴ - نسائی که سافرینی از او نقل کرده در لوامع الانوار البهیه و نیز نقل کرده مناوی در فیض القدیر
- ۵ - احمد در مسند خود
- ۶ - ابن‌حیان در صحیح خود
- ۷ - حاکم در مستدرک خود
- ۸ - ابوبکر ابوشیبه در المصنف
- ۹ - نعیم‌بن حماد در کتاب الفتن

- ۱۰ - حافظ ابونعیم در کتاب المهدی و همچنین الحلیه
  - ۱۱ - طبرانی در الکبیر و الاوسط و الصغیر
  - ۱۲ - دارقطنی در الافراد
  - ۱۳ - یارودی در معرفة الصحابة
  - ۱۴ - ابویعلی موصلی در مسند خود
  - ۱۵ - البزار در مسند خود
  - ۱۶ - حارث بن ابی اسامه در مسند خود
  - ۱۷ - خطیب در تلخیص المتشابه و نیز در المتقن و همچنین
- در المفترق
- ۱۸ - ابن عساکر در تاریخ خود
  - ۱۹ - ابن منده در تاریخ اصفهان
  - ۲۰ - ابوالحسن الحربی در الاول من الحربیات
  - ۲۱ - تمام الرازی در الفوائد
  - ۲۲ - ابن جریر در تهذیب الآثار
  - ۲۳ - ابوبکر المقرئ در المعجم
  - ۲۴ - ابوعمر الدائی در سنن خود
  - ۲۵ - ابوغند کوفی در الفتن
  - ۲۶ - الدیلمی در مسند الفردوس
  - ۲۷ - ابوبکر الاسکاف در فوائد الاخبار
  - ۲۸ - ابوالحسین بن المناوی در کتاب الملاحم
  - ۲۹ - بیهقی در دلائل النبوة

۳۰ - ابو عمر المقری در سنن خود

۳۱ - ابن جوزی در تاریخ خود

۳۲ - یحیی بن عبدالحمید الجمانی در مسند خود

۳۳ - رویانی در مسند خود

۳۴ - ابن سعد در طبقات

۳۵ - ابن خزیمه

۳۶ - حسن بن سفیان

۳۷ - عمر بن سبه

۳۸ - ابو عوانه<sup>۱</sup>

و چهار نفر اخیر از سی و هشت نفر را که عبارتند از:

ابن خزیمه

حسن بن سفیان

۱ - مجموع سی و هشت نفر که از علمای و دانشمندان بزرگ اهل سنت هستند احادیث حضرت مهدی علیه السلام را در کتابهای فوق نقل نموده‌اند که معلوم می‌شود روایات وارده در شأن و ظهور حضرت حجت علیه السلام در حد تواتر است چنانچه قبلاً نیز مؤلف محترم (شیخ عبدالمحسن العباد) توضیح دادند که بیست و شش نفر از صحابی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نیز از شخص آن حضرت روایات مهدی را نقل نموده‌اند و این در حالی است که احادیث وارده از طریق شیعه از اهل بیت عصمت و طهارت در مورد حضرت مهدی علیه السلام به مراتب بیش از اهل سنت است با این وصف هیچ‌گونه جای شک و شبهه در مورد آن سرور و ظهورش باقی نمی‌ماند و منکر وجود و ظهور حضرت قائم منکر ضروریات دین بوده و مرتد است. ( مترجم )



عمر بن سبه

ابوعوانه

سیوطی در العرف الوردی بیان کرده و توضیح داده که این افراد از جمله کسانی هستند که احادیث مهدی را تخریب کرده‌اند ولی مشخصات کتابشان را بیان نکرده است.

## عضی از علمای مؤلف کتاب در خصوص مهدی

همان‌طور که علمای اسلام توجه و عنایت به همه احادیث  
ارده از رسول گرامی اسلام داشته و کتابهایی در این رابطه تألیف  
موده‌اند و شروحنی را تزییف کرده‌اند در مورد احادیث وارده  
سبت به مهدی نیز عنایت به خرج داده و کتابها نوشته‌اند.

از جمله الفکر فی ظهور المنتظر که شیخ محمد سفارینی (متوفای  
۱۱۸۰ هـ) در کتاب لوامع الانوار البهیه و شیخ صدیق حسن القنوجی  
متوفای ۱۳۰۷ هـ) در کتاب الاذاعة لما کان و ما یکون بین یدی  
ساعة و غیره بیان کرده‌اند.

و نیز از جمله کسانی که در شأن مهدی کتاب تألیف نموده  
اضی محمد بن علی شوکانی است که وی در کتاب خود به نام  
توضیح فی تواتر ما جاء فی المهدی المنتظر و الدجال و المسیح  
بلاوه بر تحقیقی که در مورد احادیث وارده در خصوص مهدی  
موده در مورد حضرت مسیح و دجال نیز تحقیق کرده و کتاب

شوکانی را صدیق حسن در کتاب خود الاذاعة بیان داشته و گفته: شوکانی از کسانی است که در شأن مهدی کتابی تألیف نموده و روایات متواتره در خصوص آن بزرگوار را نقل کرده است.

و همچنین جمع نموده سید علامه بدر الملة المنیر محمدبن اسماعیل امیر یمانی احادیثی را که حکم می‌کند به خروج مهدی و بیان می‌دارد که مهدی از آل محمد علیهم‌السلام است و اینکه او در آخر الزمان ظاهر می‌گردد سپس امیر یمانی اضافه می‌کند که زمان ظهور مهدی را تعیین نکرده‌اند<sup>۱</sup> ولی این مقدار روشن است که او قبل از دجال ظاهر خواهد شد انتهی.

---

۱ - این بیان از این دانشمند اهل سنت مطابق عقیده و روایات شیعه است که فرموده‌اند وقت ظهور آن حضرت سرّ الله است و مشخص نمی‌شود و هرکس در این خصوص تعیین وقت کند کذاب و دروغگو است. و روایاتی در این باره وارد است که مرحوم آیه‌الله سید محمد کاظم قزوینی از کفایة الاثر، اکمال الدین و بحار الانوار از حضرت رسول اکرم نقل می‌کند که فرمود: یکذب فیها الوقتون، یعنی کسانی که برای ظهور وقت تعیین می‌کنند دروغ می‌گویند. و از غیبت شیخ طوسی نقل می‌کنند که از امام باقر علیه‌السلام سؤال شد: هل لهذا الامر وقت؟ آیا هنگام ظهور مشخص می‌شود؟ فرمود: کذب الوقتون، کذب الوقتون، کذب الوقتون. که حضرت در جواب سه بار به‌طور مکرر فرمود: تعیین‌کنندگان وقت (ظهور) دروغ می‌گویند. (مترجم)

ذکر بعضی علمایی که احادیث مهدی را متواتر<sup>۱</sup> دانسته‌اند:

۱ - از کسانی که بیان داشته احادیث وارده در مورد مهدی در حد تواتر است حافظ ابوالحسن محمد بن الحسین الابری السجزی (متوفای ۳۶۳ هـ ق) صاحب کتاب مناقب الشافعی است.

وی ضمن ردّ شخصی به نام محمد بن خالد الجندی که مدعی شده: لا مهدی الا عیسی بن مریم یعنی مهدی همان عیسی بن مریم است، می‌گوید:

محمد بن خالد پیش اهل صناعت و نقل و حدیث شناخته شده نیست (و لذا به حرف او نمی‌شود اعتنا کرد) و حرف او که می‌گوید «مهدی همان عیسی است» چه ارزشی دارد در مقابل اخبار و روایات متواتر و مستفیض که از رسول خدا ﷺ نقل شده که این روایات متواتر نبوی، مهدی را غیر از عیسی بلکه شخصی از اهل بیت پیامبر اکرم ﷺ معرفی می‌کند و توضیح می‌دهد که او در زمین به مدت هفت سال حکومت خواهد فرمود و زمین را آکنده از عدل و داد خواهد کرد.

و حضرت عیسی بن مریم نیز ظاهر گشته مهدی را در کشتن دجال یاری می‌کند و مهدی امام این امت خواهد بود و حضرت عیسی پشت سر او نماز می‌خواند.

---

۱ - منظور از متواتر آن حدیثی است که همه علمای اسلام آن را بدون شک قبول می‌کنند (مترجم).

و نیز متواتر بودن اخبار مهدی را صاحب کتاب المنار المنیف از حافظ ابوالحسن نقل نموده و با عدم اعتراض خود متواتر بودنش را قبول کرده است.

و همچنین از حافظ ابوالحسن تواتر احادیث مهدی را حافظ ابن حجر در کتاب تهذیب التهذیب در ترجمه محمد بن خالد الجندی نقل نموده بدون اعتراض او را پذیرفته چنانچه صاحب کتاب فتح الباری تواتر را نقل کرده و پذیرفته است.

و از جمله علمای بزرگ که تواتر اخبار مهدی را قبول نموده جلال الدین سیوطی است که در باب نزول حضرت عیسی بن مریم علیه السلام در آخرین جزء کتاب العرف الوردی تواتر اخبار مهدی را از حافظ ابوالحسن نقل کرده و اعتراض ننموده است.

و شخصیت دیگری به نام مرعی بن یوسف تواتر اخبار مهدی را در کتاب خود به نام فوائد الفکر فی ظهور المهدی المنتظر از حافظ ابوالحسن نقل کرده و پذیرفته است و نیز صدیق حسن در کتاب خود الاذاعة لماکان و ما یکون بین یدی الساعة تواتر را از حافظ ابوالحسن نقل کرده و مدعای او را پذیرفته است.

۲ - از دیگر شخصیت‌هایی که احادیث وارده را در مورد مهدی در حد تواتر می‌داند شیخ محمد برزنجی (متوفای ۱۱۰۳ هـ.ق) است که در کتاب خود الاشاعة لاشراط الساعة می‌گوید: باب سوم در بیان علامات و نشانه‌های بزرگی است که بعد از وقوع

آنها قیامت به پا می شود و این نشانه ها زیاد است که از جمله آنها ظهور مهدی است که اولین نشانه های بزرگ است. بعد توضیح می دهد: آگاه باش که احادیث وارده در مورد مهدی با اختلاف عبارات و تعبیری که در آنها هست بی نهایت زیاد است.

بعد می گوید: آنچه در روایات کثیره صحیحه آمده مهدی از اولاد فاطمه است، و مطلب را ادامه می دهد تا می گوید (تنبیه): به تحقیق روشن شد بر شما اینکه روایاتی که دلالت می کند بر وجود مهدی و خروج وی در آخرالزمان و اینکه مهدی از عترت پیامبر گرامی اسلام ﷺ و از اولاد فاطمه است در حد تواتر معنوی است و معنی ندارد کسی این همه روایات را منکر شود.

خلاصه در آخر کتاب خود در ختم بیانش بعد از اشاره به بعضی اموری که در آخرالزمان پیش خواهد آمد، می گوید: نهایت چیزی که توسط اخبار صحیح کثیر و مشهور که در حد تواتر معنوی است ثابت گردیده وجود امارات و علامات بزرگ است در آخرالزمان که از جمله آنها بلکه اول آنها خروج مهدی است که از اولاد فاطمه می باشد و زمین را پر از عدل و داد خواهد نمود بعد از اینکه پر از ظلم و جور شده باشد.

۳ - عالم و دانشمند دیگری که بیان داشته احادیث مهدی در حد تواتر است، شیخ محمد سفارینی (متوفای ۱۱۸۸ هـ ق) می باشد که در کتاب لوامع الانوار البهیه می گوید: روایاتی که دلالت بر

خروج مهدی دارد زیاد است حتی به حد تواتر معنوی رسیده و آنقدر شایع و مشهور بین علمای اهل سنت است که جزء معتقدات آنها محسوب می‌گردد و به دنبال آن بعضی از آثار و احادیث مربوط به خروج مهدی را ذکر می‌کند و نام بعضی از صحابه را که احادیث مهدی را نقل نموده‌اند بیان می‌دارد.

سپس می‌گوید: روایات مهدی که از اصحاب رسول اکرم نقل شده و من نام بعضی را بردم و بعض دیگر را نبردم و همچنین از تابعین به صورت متعدد نقل گردیده که مجموع آنها مفید علم قطعی و یقینی است.

پس ایمان به خروج و ظهور مهدی واجب است چنانچه این مطلب نزد اهل علم و دانش ثابت بوده و در جمله عقاید اهل سنت و جماعت مندرج است.

۴ - و نیز از علمای بزرگی که روایات مهدی را در حد تواتر می‌داند. قاضی محمد بن علی شوکانی (متوفای ۱۲۵۰ هـ.ق) می‌باشد که وی صاحب تفسیر مشهوری است و مؤلف کتاب نیل الاوطار و کتاب دیگری دارد به نام التوضیح فی تواتر ما جاء فی المهدی المنتظر و الدجال و المسیح که قبلاً هم به این کتاب اشاره رفت. در کتاب مزبور می‌گوید: روایاتی که در مورد مهدی وارد شده و امکان وقوف بر آنها هست پنجاه روایت است که در بین آنها روایات صحیح، حسن و نیز ضعیفی هست که ضعف آن جبران

شده است.

بنابراین روایات وارده در خصوص مهدی بدون شک متواتر است و چگونه متواتر نباشد و حال آنکه روایات کمتر از پنجاه را در همه اصطلاحات مورد قبول در اصول، متواتر توصیف می‌کنند.

و اما آثار وارده از صحابه که در آنها به نام مهدی تصریح شده جداً زیاد است و برای آن حکم رفع است و در مقابل این همه روایات صریح که دلالت بر ظهور مهدی دارد با سلیقه و اجتهاد سخن گفتن و منکر آن شدن سزاوار نیست (زیرا اجتهاد در مقابل نص باطل است).

بعد شوکائی در کتاب مذکور در مسئله نزول حضرت مسیح علیه السلام می‌گوید: ثابت گردیده که احادیث وارده در مورد مهدی منتظر متواتر است چنانچه احادیث وارده در خصوص دجال و نزول حضرت عیسی بن مریم متواتر است.

۵- و از جمله علمایی که مدعی تواتر اخبار مهدی شده شیخ صدیق حسن القنوجی (متوفای ۱۳۰۷ هـ ق) می‌باشد که در کتاب خود الاذاعة لماکان و ما یکون بین یدی الساعة می‌گوید: روایات وارده در مورد مهدی با اختلافی که در آنها هست از نظر تعبیر و عبارات جداً زیاد است و به حد تواتر معنوی می‌رسد که این قبیل روایات در سنن و غیر سنن از کتب اسلامی از قبیل معاجم و



مسانید آمده است.

تا آنجا که می‌گوید: بی‌شک مهدی در آخرالزمان خرو  
خواهد کرد بدون اینکه سال و ماه خروجش مشخص شود زیرا  
اخبار در ظهور مهدی متواتر است و جمهور امت اسلام خلفاً  
سلف بر آن اتفاق نظر دارند مگر عدّه‌قلیلی که مخالفت آن  
ارزشی نداشته و قابل اعتنا نیست.

سپس اضافه می‌کند: معنی ندارد کسی شک کند در امر این  
شخصیت فاطمی موعود منتظر که این همه دلایل و احادیث  
وجود و ظهور ایشان اقامه گردیده است.

و بلکه انکار آن جرئت و جسارت بزرگی است در مقابل  
روایات مستفیض مشهوری که در حدّ تواتر است.

۶ - و همچنین از کسانی که تواتر احادیث (مهدی) را نقل  
نموده شخصی است از علمای متأخرین به نام شیخ محمدبدر  
جعفر کتانی (متوفای ۱۳۴۵ هـ.ق) که در کتاب خود به نام نظم المتنا  
من الحدیث المتواتر می‌گوید: به تحقیق ذکر کرده‌اند که نزو  
حضرت عیسی علیه السلام ثابت است چه در کتاب، چه در سنت و چه  
به اجماع. سپس ادامه می‌دهد که روایات وارده در خصوص  
مهدی منتظر متواتر است همچنان که روایات وارده در مورد دجال  
و عیسی بن مریم در حدّ تواتر است.

## بعضی احادیث وارده در صحیحین در شأن مهدی

۱ - بخاری در صحیح خود در باب نزول حضرت عیسی بن مریم علیه السلام از ابوهریره نقل می کند که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: چگونه خواهید بود زمانی که فرزند مریم (عیسی) از آسمان فرود آید و در بین شما قرار گیرد در حالی که امام شما از خود شما است.

۲ - حدیث فوق را مسلم نیز در صحیح خود در کتاب الایمان توسط ابوهریره از نبی مکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده و نیز مسلم از ابوهریره به تعبیر دیگری مضمون فوق را نقل می کند به این بیان که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: چگونه خواهید بود زمانی که فرزند مریم بر شما نازل شود در حالی که مادر شما با شما است (امکم فیکم).

راوی حدیث (ابن ابی ذئب) حدیث را معنی کرده به اینکه منظور از جمله «امکم فیکم» کتاب خدا و سنت پیامبر خدا است

(یعنی چگونه خواهید بود زمانی که فرزند مریم در بین شما نازل شود در حالی که قرآن کریم و سنت پیامبر با شما است).

۳ - همچنین مسلم در صحیح خود از جابر نقل می‌کند که حضرت رسول ﷺ فرمود:

گروهی از امت من لایزال برای دفاع از حق می‌جنگند و در این درگیری غلبه و پیروزی تا روز قیامت از آن امت من است. سپس می‌فرماید: پس عیسی بن مریم از آسمان نازل می‌شود امیر و امام شما به عیسی می‌گوید:

بیا برای ما نماز بخوان و امامت کن!

عیسی علیه السلام در جواب می‌گوید:

این کار را من نخواهم کرد بلکه بعضی از شما (امت پیامبر) بر بعضی دیگر امیر خواهید بود به جهت کرامتی که خدای سبحان به این امت داده است.

### دلالت احادیث وارده در صحیحین

این قبیل احادیث که در صحیحین وارد شده به دو مطلب دلالت می‌کند:

الف: وقت نزول حضرت عیسی بن مریم علیه السلام از آسمان متولی امور مسلمین شخصی است از خود امت پیامبر گرامی اسلام.

ب: حضور امیر امت برای نماز و نماز خواندنش بر امت و تقاضای ایشان از حضرت عیسی که نماز را به عهده بگیرد و او

نیز قبول نمی‌کند و به امیر محول می‌نماید، همه دلیل بر این است که امیر مرد صالح و شایسته‌ای است و مورد هدایت و عنایت حضرت حق سبحانه و تعالی است.

در اینجا اگر چه تصریح به نام مهدی نشده ولی این قبیل روایات دلالت می‌کند بر صفات و خصوصیات مردی صالح که امامت می‌کند بر جمیع مسلمین در هنگام نزول حضرت عیسی. و در سنن و مسانید و ... احادیثی وارد شده که روایات موجود در صحیحین را تفسیر می‌کند و روشن می‌کند که منظور از این رجل صالح محمد بن عبدالله<sup>۱</sup> از اولاد حسن بن علی است که به

۱ - این تعبیر که پدر حضرت مهدی علیه السلام را عبدالله معرفی می‌کند برگرفته از حدیثی است که شخصی به نام زائده آن را از عاصم بن بهدله نقل کرده و در چند جای جزوه تکرار شده ولی حضرت آیه الله علامه حسن زاده آملی در نهج الولایه می‌فرماید: حافظ گنجی که از علمای اهل سنت است در کتاب بیان می‌کند که اکثر علما در نقل خود «اسم ایبه اسم ابی» را نیآورده‌اند. بنابراین در مقابل این اقوال کثیر اعتباری بر نقل زائده نیست مضافاً بر اینکه محتمل است حضرت رسول فرموده باشد: اسم ایبه اسم ابنی یعنی اسم پدر حضرت مهدی مانند اسم فرزندان امام حسن مجتبی است و راوی یا کاتب «ن» را اشتباهاً حذف کرده یا نشنیده و گفته: ابی به جای «ابنی». حقیر گوید: چون این روایت از عاصم است و علما او را به سوء حافظه معرفی کرده‌اند این احتمال کاملاً به جا و ممکن است علاوه بر اینکه زائده در حدیث کم و زیاد نیز می‌کرده. اما علمایی که عاصم بن بهدله را به سوء حافظه معرفی کرده‌اند عبارتند از: ۱ - ابو جعفر ۲ - دارقطنی

او «مهدی» خطاب می‌شود زیرا روایات بعضی بعضی دیگر را تفسیر می‌کند.

از جمله احادیث [که احادیث موجود در صحیحین را معنی کرده و مشخص می‌کند که منظور از آن رجل صالح مهدی است] حدیثی است که حارث بن ابی‌اسامه در مسند خود از جابر رضی الله عنه از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کند که می‌فرماید: نازل می‌شود عیسی بن مریم پس امیر امت مهدی به او می‌گوید: بیا برای ما نماز بخوان! عیسی می‌گوید: نماز را شما باید بخوانی زیرا بعضی از شما امت پیامبر آخرالزمان بر بعضی دیگر امیر است به جهت کرامتی که خدای سبحان به این امت عنایت کرده و ابن‌قیم در المنار المنیف گفته سند این حدیث خوب و قابل قبول است انتهى.

[چنانچه معلوم است این حدیث به خوبی روشن می‌کند منظور از امیری که در صحیح مسلم آمده و نماز را به عیسی پیشنهاد می‌کند همان مهدی است].

و شیخ صدیق حسن در کتاب خود الاذاعة مجموعة زیادی از احادیث مهدی را وارد کرده که آخرین آنها حدیث جابر است که مسلم آن را در صحیح خود آورده است.

و عثبه می‌گوید: درست است که در حدیث جابر نام مهدی

کر نشده و تعبیر به «امیرهم» گردیده ولی این تعبیر هیچ محمل توجیهی ندارد جز اینکه بگوییم منظور از آن مهدی منتظر است ما اینکه روایات و احادیث زیادی بر آن دلالت دارد.

و بالجمله چون مقام اقتضا نمی‌کند که اکثر روایات وارده را مورد مهدی در غیر صحیحین نقل کنم صلاح دیدم که در اینجا نقل بعضی از آنها با بررسی اسناد و روایات اکتفا کنم.

### نادیث وارده در غیر صحیحین

در اینجا بعضی احادیثی که در مورد مهدی در کتب صحیحین دارد بیان می‌داریم:

۱ - ابوسعید خدری از رسول گرامی اسلام ﷺ نقل می‌کند آن حضرت فرمود: بشارت می‌دهم شما را به مهدی که بر او عهد می‌شود در شرایطی که مردم با هم در اختلاف‌اند پس آن را پر از عدل و داد می‌کند بعد از آنکه پر از ظلم و جور باشد.

از مهدی هم ساکنین آسمانها راضی هستند و هم ساکنین زمین و اموال را به صورت صحیح تقسیم می‌کند. مردی از بندگان رسول اکرم سؤال می‌کند: منظور از تقسیم مال به نحو صحیح چیست؟ حضرت فرمود: تقسیم بالسویه؛ و توسط مهدی با امت محمد مملو از غنا می‌شود و عدل او گسترش پیدا می‌کند، همه جا را می‌گیرد، تا آخر حدیث.

ابوبکر هیشمی در مجمع الزوائد و منبع الفوائد گفته: احمد نیز این حدیث را به اسانید ابویعلی به اختصار نقل نموده و رجال هردو از ثقات و موثقین هستند.

۲ - از ابوهریره نقل شده که خدمت حضرت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ذکر «مهدی» شد. حضرتش فرمود: اقلّ مدت حکومتش هفت سال و اگر نه هشت سال و الاّ نه سال خواهد بود و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد چنانچه مملو از ظلم و جور بوده است. هیشمی گفته: این روایت را هزار روایت کرده و رجالش ثقات است ولی در بعضی از رجال آن بعضی ضعفها وجود دارد.

۳ - ابوهریره از پیامبر اکرم نقل می کند که حضرت فرمود: در بین امت من مهدی ظهور خواهد کرد و اقلّ مدت حکومت او هفت سال و اگر نه هشت سال و الاّ نه سال خواهد بود و در زمان زمامداریش امت من چنان از نعمت برخوردار می شوند که سابقه نداشته باشد، آسمان باران رحمت خود را بر آنها فرو می ریزد و زمین از رویاندن گیاهان دریغ نخواهد نمود و مال و ثروت فراوان می شود.

هرکسی برمی خیزد می گوید: ای مهدی چیزی به من عطا کن! بی درنگ می فرماید: بگیر. هیشمی گفته: این خبر را طبرانی در اوسط نقل کرده و رجالش ثقات است.

۴ - ابوداود در سنن خود کتابی را تأسیس نموده و در اوّل

کتاب گفته است: «اوّل کتاب المهدی» و در آخر آن نیز نوشته: «آخر کتاب المهدی» و در ذیل این کتاب باب مستقلی را منعقد کرده که در آن سیزده حدیث وارد کرده و مصدر نموده این کتاب را (کتاب المهدی) به حدیث جابر بن سمره که می‌گوید: شنیدم پیامبر خدا ﷺ فرمود: دین اسلام پایدار خواهد ماند تا دوازده امام بر شما امامت کنند، تا آخر حدیث.

و جلال‌الدین سیوطی نیز در آخر جزء کتاب العرف الوردی فی اخبار المهدی می‌گوید: در این روایت جابر اشاره هست به بیان علما که فرموده‌اند: مهدی یکی از امامان دوازده‌گانه می‌باشد و این مطلب را نیز ابن‌کثیر در تفسیرش آورده آنجا که در سوره مبارکه مائده آیه شریفه و لقد اخذ الله میثاق بنی اسرائیل الخ تفسیر می‌کند و نظر جمعی از علما که از جمله آنها شارع (طحاویه) باشد آن است که منظور از دوازده نفر، خلفای راشدین (ابوبکر، عمر، عثمان و علی) و هشت نفر دیگر است.<sup>۱</sup>

---

۱- در اینکه این هشت نفر چه کسانی هستند هنوز علمای اهل تسنن موفق به حل آن نشده‌اند زیرا اگر چهار نفر فوق را فقط در نظر بگیرند کمتر از دوازده است و اگر خلفای اموی و عباسی را اضافه کنند از دوازده نفر بیشتر می‌شود پس بهتر است تعصب را کنار گذاشته عقیده شیعه را انتخاب نمایند که آن دوازده نفر از حضرت علی شروع شده به حضرت مهدی ختم می‌شود و روایات زیادی از حضرت نبی اکرم دلالت بر آن دارد. مرحوم محدث عالی مقام سید هاشم حسینی ثوبلی بحرانی بیش از سیصد و بیست حدیث



۵ - روایت کرده ابوداود در سنن خود از طریق عاصم بن ابی النجود از ابوزرعه از عبدالله بن مسعود از پیامبر خدا ﷺ که فرمود: اگر از دنیا یک روز بیشتر نمانده باشد خدای سبحان آن روز را طولانی خواهد کرد تا مبعوث نماید در آن مردی از اهل بیت من که اسم او مثل اسم من و اسم پدرش مانند اسم پدر من است.<sup>۱</sup> او زمین را پر از عدل و داد خواهد نمود بعد از اینکه پر از ظلم و جور شده باشد.

این حدیث را ابوداود، و منذری و ابن قیم در تهذیب سنن نقل کرده و اعتراض ننموده بلکه با سکوت خود آن را تأیید کرده است.

و همچنین در المنار المنیف اشاره به صحت آن کرده و نیز ابن تیمیه در منهاج السنة النبویة صحت حدیث فوق الذکر را پذیرفته و صاحب کتاب مصابیح السنة در فصل الحسان روایت فوق را آورده است و البانی نیز از کتاب مصابیح حدیث را نقل نموده و در تخریج احادیث المشکاة تدوین کرده است.

در کتاب قیم خود الانصاف در مورد دوازده امام از طریق شیعه و سنی نقل نموده و در پنجاه روایت پیامبر عظیم الشان اسلام دوازده امام را از حضرت علی تا حضرت مهدی علیه السلام نام برده و مشخص فرموده است.  
(مترجم)

۱ - البته اینکه اسم پدرش مانند اسم پدر من است اشتباه است که ما قبلاً به پاسخ آن اشاره کردیم.

مدار حدیث فوق عاصم بن ابی النجود است و خلاصه اقوالی را که در مورد عاصم علمای رجال ایراد نموده‌اند در کتاب عون المعبود شرح مسند ابی داود نوشته است، از جمله می‌گوید: عاصم فرزند ابوالنجود و اسم ابوالنجود «بهدله» است که یکی از قراء سبعة محسوب می‌شود. احمد بن حنبل می‌گوید: او مرد صالحی است و من قرائت او را در قرآن انتخاب می‌کنم. احمد و ابوزرعه نیز او را توثیق نموده‌اند و ابوحاتم گفته است: محل عاصم نزد من محل صدق است و او صالح الحدیث است.

ابوجعفر نیز بیان داشته: بر عاصم از نظر صدق و صلاح هیچ اشکالی وارد نیست الا اینکه سوء حافظه داشته چنانچه دارقطنی نیز گفته: عاصم از نظر حفظ مشکل داشته است.<sup>۱</sup>

ذهبی نیز گفته: عاصم در قرائت موثق است ولی در حدیث به حد وثوق نمی‌رسد اما صداقت او ثابت است و حسن الحدیث می‌باشد.

بنابراین عاصم بن بهدله ثقه است بنا به رأی احمد و ابوزرعه

۱ - در اینجا مدار حدیث از نظر سند عاصم بن ابی النجود راوی حدیث است و لذا در متن اقوال علما را در مورد ایشان نقل می‌کند و نتیجه می‌گیرد که نامبرده قابل وثوق و اعتماد است فقط سوء حافظه دارد ولی این نقص هم در اینجا اشکالی ندارد زیرا حدیث از طرق مختلف نقل شده و منحصر به عاصم نیست و چون حدیث را به یک نحو بیان کرده‌اند حسن حافظه روایت دیگر سوء حافظه عاصم را جبران می‌کند. ( مترجم )

حسن الحدیث و صالح الاحتجاج است بنا بر نظر غیر احمد و ابوزرعه از علمای رجال: او غیر از سوء حافظه تقصی ندارد.

علی هذا رد حدیث به جهت اینکه عاصم او را نقل کرده از شیوه و سیره منصفین به دور است علاوه بر اینکه گفتیم طریق حدیث منحصر به عاصم نیست بلکه از طرق دیگر نیز نقل شده و لذا احتمال خطا به جهت سوء حافظه از عاصم برداشته می شود و خدای متعال داناتر به واقعیات است انتهى.

حدیث مذکور را ابن خلدون نیز در مقدمه تاریخ خود نقل کرده و چون عاصم آن را نقل کرده بر آن ایراد گرفته و گفته: عاصم سوء حافظه دارد و چون جرح مقدم بر تعدیل است این حدیث قابل قبول نیست.

ولی شیخ احمد شاکر حرف ابن خلدون را رد کرده چنانچه در تخریج احادیث مسند می گوید: ابن خلدون حرف محدثین را خوب نفهمیده و لذا گفته جرح مقدم بر تعدیل است.

اگر او بر اقوال محدثین آگاهی داشت و مطالب آنها را به خوبی درمی یافت چنین سخنی نمی گفت.

همچنین شیخ احمد شاکر در مورد عاصم می گوید: او از بزرگان قراء معروف است و در نقل حدیث نیز مورد وثوق است اگرچه در بعضی از احادیث خطا و اشتباهی کرده ولی این خطا آنچنان غلبه نداشته تا باعث شود احادیث نقل شده توسط او مقبول واقع نشود.

ابن ابی حاتم در جرح و تعدیل می گوید: خبر داد به ما عبدالله بن احمد بن محمد بن حنبل در ضمن مطلبی که به من نوشته بود به اینکه: از پدرم در مورد عاصم بهدله سؤال کردم، گفت: او ثقه و مرد صالحی است و بسیار مورد وثوق است الا اینکه اعمش از نظر حافظه از او قویتر بوده به همین جهت شعبه احادیث اعمش را بر او ترجیح می داد.

و نیز ابن ابی حاتم می گوید: از پدرم در مورد عاصم سؤال کردم، پدرم گفت: او مرد صالحی است. او بیش از ابوقیس الاودی حدیث نقل کرده و از او مشهورتر است و نزد من محبوبتر از ابوقیس است.

ابن ابی حاتم می گوید: از ابو زرعه نیز در خصوص عاصم سؤال کردم، پاسخ داد: مورد وثوق است. و من مطلب ایشان را برای پدرم نقل کردم، او گفت: در مورد ثقه بودن او حرفی نیست ولی ابن علیّه گفته هر محدثی که اسمش عاصم است کم حافظه است.

شیخ احمد شاکر نیز گفته: نهایت انتقادی که نسبت به عاصم شده آن است که او حافظه قوی نداشته، اکنون باید دید آیا با این انتقاد جزئی سزاوار است که حدیث عاصم را مردود بدانیم و بدین وسیله قضیه مسلم مهدی را مورد تردید قرار بدهیم و حال آنکه مسئله مهدی با روایات و احادیث فراوان به اثبات رسیده به حدی که جای هیچ گونه شک و تردیدی در آن نیست (این بود

ماحصل نظریهٔ علما در مورد عاصم بن بهدله راوی حدیث مهدی. اینک به نقل حدیث در این رابطه از منابع دیگر ادامه می‌دهیم).

۶ - ابوداود در سنن خود می‌گوید: روایت کرده سهل بن تمام بن بدیع از عمران القطان از قتاده از ابونضره از ابوسعید خدری از رسول اکرم ﷺ که حضرت فرمود: مهدی از من است و هموست که پیشانی برجسته دارد و بینی او نیز برجستگی دارد. زمین را آکنده از عدل و داد خواهد نمود چنانچه لبریز از ظلم و جور شده باشد و مدت حکومت او هفت سال خواهد بود. ابن‌القیم در المنار المنیف گفته: حدیث فوق را ابوداود با سندهای خوب و معتبر نقل کرده و همچنین حدیث مذکور را در مصابیح السنة در فصل الحسان نقل نموده و البانی در تخریج احادیث المشکاة این روایت را از نظر اسناد آن حسن دانسته و سیوطی نیز در الجامع الصغیر صحیح بودن او را قبول کرده است.

۷ - ابن‌ماجه در سنن خود از محمد بن یحیی و احمد بن یوسف روایت می‌کند که آن دو نفر نیز از عبدالرزاق از سفیان ثوری از خالد الحذاء ابوقلابه از ابواسماء الرحبی از ثوبان از حضرت رسول ﷺ که فرمود: در کنار کنز شما سه گروه مقاتله و جنگ خواهند کرد که همهٔ آنها فرزندان خلیفه هستند ولی هیچ‌کدام به مقصود خود نمی‌رسد و پس از آن پرچم‌های سیاهی از طرف مشرق ظاهر می‌شود و چنان شما را خواهند کشت که

مانند آن قتل و کشتار را کسی ندیده باشد. (راوی گوید: سپس حضرت رسول چیزی گفت که متوجه نشدم). پس از آن فرمود: اگر چنین شخصی را با این نشانه‌ها دیدید با او بیعت کنید حتی اگر لازمه این بیعت چهار دست و پا روی برف و یخ راه رفتن باشد زیرا که او خلیفه الله مهدی است.

شیخ مهدی فؤاد عبدالباقی در تعلیقش بر سنن ابن ماجه در زوائد می‌گوید: اسناد این روایت صحیح است و راویانش از موثقین هستند و همین روایت را حاکم در مستدرک نقل نموده و گفته: این روایت به شرط شیخین صحیح است انتهى.

همین حدیث را حافظ بن کثیر به سند خود در کتاب الفتن و الملاحم نقل کرده می‌گوید: اسناد این حدیث قوی و صحیح است. بعد از آن حدیثی را از ترمذی نقل می‌کند که در آن حدیث نیز از پرچم‌های سیاه ذکری به میان آمده که در این رابطه حافظ می‌گوید: منظور از این پرچم‌های سیاه، پرچم‌های سیاهی که توسط ابو مسلم خراسانی بلند شد و از بنی‌امیه حکومت را در سال ۱۳۲ هـ ق سلب کرد، نیست بلکه منظور پرچم‌های سیاه دیگری است که در معیت مهدی خواهد آمد و این همان مهدی بن عبدالله علوی فاطمی حسنی رضی الله عنه<sup>۱</sup> می‌باشد انتهى.

۱ - قبلاً راجع به اشتباه راویان در بیان اسم پدر حضرت مهدی علیه السلام یعنی

۸ - ابوداود در سنن خود نقل می‌کند از احمد بن ابراهیم از عبدالله جعفر رقی از ابوالملیح حسن بن عمر از زیاد بن بیان از علی بن نفیل از سعید بن مسیب از امّ سلمه که او می‌گوید: از حضرت رسول اکرم ﷺ شنیدم می‌فرمود: مهدی از عترت من و از اولاد فاطمه است.

ابن ماجه نیز حدیث را از سعید بن مسیب این چنین بیان می‌دارد: ما پیش امّ سلمه بودیم و صحبت از مهدی شد. امّ سلمه گفت: من از حضرت رسول شنیدم که فرمود: مهدی از اولاد فاطمه است.

و همین روایت را علامه سیوطی در الجامع الصغیر وارد کرده و صحت او را قبول نموده است. و همچنین در کتاب مصابیح السنن در فصل الحسان حدیث مسبق نقل گردیده و البانی در تخریج احادیث المشکاة اسناد او را خوب و معتبر دانسته است.

۹ - ابن قیم در المنار المنیف و حارث بن اسامه در مسندش می‌گویند: روایت کرده اسماعیل بن عبدالکریم از ابراهیم بن عقیل از پدرش از وهب بن منبه از جابر از رسول خدا ﷺ که فرمود: عیسی بن مریم (هنگام خروج حضرت مهدی علیه السلام) نازل می‌شود

---

✍ « عبدالله » و همچنین اشتباه آنان در خصوص اولاد حضرت امام حسن علیه السلام بودن آن حضرت توضیح دادیم.

پس امیر شما (مهدی) به او می‌گویید: بیا برای ما نماز بخوان! عیسی جواب می‌دهد: بعضی از شما (امت محمد) بر بعضی دیگر امیر است زیرا خدای متعال بر این امت کرامت داده است. ابن قییم گفته: اسناد این روایت نیز خوب و مقبول است انتهى.



در اینجا بحمد الله تعالی ترجمه آن قسمت از عناوین جزوه عقیده اهل السنة و الاثر فی المهدی المنتظر که به دست ما رسیده به پایان رسید و حقاً مؤلف دانشمند آن جناب شیخ عبدالمحسن العباد که یکی از علمای متتبع اهل سنت است با عقیده‌ای راسخ و ارادتی کامل نسبت به محضر مقدس حضرت مهدی روحی له الفداء جزوه مذکور را تحقیق نموده که در عین حال که کم‌حجم است مطالعه آن بسیار سودمند است.



## حسن ختام

در اینجا مناسب دیدم حسن ختام این جزوه را حدیثی قرار دهم که به فرموده حضرت علامه آیه الله حسن زاده آملی دامت برکاته در جوامع روایی فریقین به طرق مختلفه با اختلاف در بعضی از جمله‌های متن روایت شده است.

ولی معظم له آن را از کتاب البیان فی اخبار صاحب الزمان نقل فرموده که مؤلف آن شیخ حافظ ابو عبدالله محمد بن یوسف شافعی گنجی (متوفای ۶۵۸ هـ ق) می باشد که یکی از دانشمندان اهل سنت است اگرچه به فرموده استاد حسن زاده این حدیث دلیل بر استبصار او می تواند باشد.

حافظ گنجی گوید:

اخبرنا السيد النقيب الكامل مستحضر الدولة شهاب الحضرتين  
سفير الخلافة المعظمة علم الهدى تاج امراء آل رسول الله (ص)  
ابوالفتوح المرتضى بن احمد بن محمد بن محمد بن جعفر بن زيد بن

جعفر بن محمد بن احمد بن محمد بن الحسن بن اسحاق بن الامام جعفر  
الصادق بن الامام محمد باقر بن الامام على زين العابدين بن الامام  
الحسين الشهيد بن امير المؤمنين على بن ابي طالب عليه السلام عن ابي الفرج  
يحيى بن محمود الثقفى عن ابي على الحسن بن احمد الحداد اخبرنا  
الحافظ ابو نعيم احمد بن عبدالله الاصبهاني قال اخبرنا الحافظ  
ابو القاسم سليمان بن احمد الطبراني، و اخبرنا حافظ ابو الحجاج  
يوسف بن خليل بحلب اخبرنا ابو عبدالله محمد بن ابي زيد الكراني  
باصبهان اخبرتنا فاطمة بنت عبدالله الجوزدانيه اخبرنا ابوبكر بن  
ربدة اخبرنا الحافظ ابو القاسم الطبراني حدثنا محمد بن زريق بن  
جامع المصرى حدثنا الهيثم بن حبيب حدثنا سفيان بن عيينه عن على  
الهلالى قال:

دخلت على رسول الله (ص) فى شكاته التى قبض فيها فاذا  
فاطمة عليها السلام - عند رأسه (ص) قال فبكت حتى ارتفع صوتها فرفع  
رسول الله (ص) طرفه اليها قال حبيبتى فاطمة ما الذى يبكيك؟  
فقلت اخشى الضيعة من بعدك، فقال يا حبيبتى اما علمت ان الله تعالى  
اطلع الى الارض اطلاعة فاختر منها اباك فبعثه برسالته. ثم اطلع  
اطلاعة فاختر بعلك، و اوحى الى ان انكحك اياه.

يا فاطمة و نحن اهل بيت قد اعطانا الله سبع خصال لم يعط احداً  
قبلنا و لا يعطى احداً بعدنا: انا خاتم النبيين و اكرم النبيين على الله و

احب المخلوقين الى الله و انا ابوك، و وصيّي خير الاوصياء و احبهم الى الله و هو بعلك و منا من له جناحان اخضران يطير في الجنة مع الملائكة حيث يشاء و هو ابن عم ابيك و اخو بعلك و منا سبطا هذه الامة و هما ابناك الحسن و الحسين و هما سيدا شباب اهل الجنة و ابوهما و الذي بعثنى بالحق خير منهما.

يا فاطمة و الذي بعثنى بالحق ان منهما مهدى هذه الامة اذا صارت الدنيا هرجاً و مرجاً و تظاهرت الفتن و تقطعت السبل و اغار بعضهم على بعض فلا كبير يرحم صغيراً و لا صغير يوقر كبيراً، يبعث الله عند ذلك منهما من يفتح حصون الظلالة و قلوباً غلفاً، يقوم بالدين في آخر الزمان كما قمت به في اول الزمان و يملأ الدنيا عدلاً كما ملئت جوراً.

يا فاطمة لا تحزني و لا تبكي فان الله تعالى ارحم بك و اراؤف عليك مني و ذلك لمكانك مني و موقعك من قلبي و زوجك الله زوجك و هو اشرف اهل بيتك حسبا و اكرمهم منصباً و ارحمهم بالرعية و اعدلهم بالسوية و ابصرهم بالقضية. و قد سألت ربي ان تكوني اول من يلحقني من اهل بيتي قال علي [عليه السلام] فلما قبض النبي (ص) لم تبق فاطمة [عليها السلام] بعده الا خمسة و سبعين يوماً حتى احقها الله به صلى الله عليهما و سلم.

علی هلالی می گوید: وارد بر محضر مبارک رسول اکرم ﷺ شدم در آن مرضی که حضرتش از دنیا رفت و حضرت زهرا عليها السلام را دیدم که

بالای سر آن حضرت قرار داشت . حضرت زهرا که حال پدر را وخیم دید گریه کرد به حدی که صدای گریه اش بلند شد . در این هنگام رسول مکرم اسلام چشم های مبارکش را باز کرده به سوی فاطمه علیها السلام نظر نمود و فرمود : حبیبه من فاطمه ، چرا گریه می کنی ؟ حضرت زهرا علیها السلام عرض کرد : نگران مصائبی هستم که بعد از تو پیش خواهد آمد . حضرت رسول فرمود : ای حبیبه من ، آیا نمی دانی که خداوند سبحان توجه و نظری بر زمین کرد و در آن پدرت را انتخاب نمود و به رسالت برگزید سپس نظر و توجهی دیگر بر زمین کرد و همسرت علی را انتخاب فرموده از طریق وحی به من دستور داد تا تو را به ازدواج او دریاورم . ای فاطمه ، ما اهل بیتی هستیم که خدای متعال هفت خصلت و ویژگی به ما عنایت کرده که این ویژگی ها را نه قبل از ما به کسی عطا فرموده و نه بعد از ما به کسی خواهد داد .

من خاتم انبیا و اکرم انبیا در پیشگاه خداوند سبحانم و محبوب ترین مخلوقات نزد او می باشم که با این اوصاف پدر تو هستم . وصی من علی بهترین اوصیا و محبوب ترین آنها نزد پروردگار عالم است که او همسر تو می باشد .

از خانواده ما است آن کسی که خدای متعال به او دو بال سبز عطا نموده به همراه ملائکه به هر مقامی از بهشت که بخواهد پرواز می کند و او پسر عموی پدرت و برادر شوهرت [ جعفر طیار ] است و از ما می باشد دو سبط این امت حسن و حسین که سرور و آقای جوانان بهشت هستند و سوگند به خدایی که مرا به رسالت مبعوث فرموده پدر

بزرگوارشان علی از آنها بالاتر است .

ای فاطمه سوگند به خداوندی که مرا به رسالت مبعوث فرمود از حسن و حسین است مهدی این امت که او هدایت و رهبری جامعه را در زمانی به عهده می گیرد که دنیا دستخوش هرج و مرج گشته فتنه ها ظاهر شده و راهها مسدود گردیده و مردم همدیگر را اغفال و گمراه می کنند در این هنگام نه بزرگی بر کوچکی رحم می کند و نه کوچکی بر بزرگی احترام قائل است در این شرایط است که از نسل آنان [ فرزندان تو حسن و حسین ] شخصی به نام مهدی را مبعوث می فرماید که به دست او حصون و قلعه های تاریکی فتح شده و قلوبی که در اثر غفلت و گناه در حجاب قرار گرفته باز می شود و او در آخر الزمان دین اصیل اسلام را به پای می دارد آنچنانکه من در زمان اوّل بعثتم به پای داشتم و در آن هنگام عالم را پر از عدل و داد خواهد نمود آنچنانکه آکنده از ظلم و جور بوده است .

ای فاطمه ، محزون و گریان مباش زیرا که خدای سبحان مهربان تر است نسبت به تو از من ، و آن به جهت منزلت تو و قرابتی است که به من داری و جایگاهی که در دل من داری . ( از جمله عنایات حضرت حق نسبت به تو ) اینکه تو را به همسری مردی در آورد که از نظر حساب شریفترین اهل بیت تو و از نظر مقام و منصب کریمترین آنها و نسبت به رعیت مهربانترین آنها و در تقسیم اموال و حقوق عادلترین آنها و در احکام و مسائل بصیرترین آنها می باشد .

در ضمن از خدای متعال طلب نموده ام که تو اوّل کسی از اهل بیت

من باشی که به من ملحق بشوی . علی علیه السلام می فرماید : [ این تقاضای رسول اکرم از خداوند سبحان مقبول واقع شد زیرا که ] بعد از رحلت آن حضرت زهرای مرضیه علیها السلام [ بیش از هفتاد و پنج روز در این دنیا باقی نماند و به پدر بزرگوارش در ملا اعلی پیوست .



حقیر گوید: درود و رحمت بی پایان حضرت حق سبحانه و تعالی بر این خاندان بی نظیر و با عظمت به ویژه بر این پدر و دختری باد که اصل و منشأ هر خیر و برکت و شرافت و عظمت هستند و لعنت خدا و همه لعنت کنندگان بر کسانی باد که بر این خانواده باکرامت به ویژه به زهرای اطهر علیها السلام ستم روا داشته و قلب نازنین آن بانوی دو جهان را جریحه دار کردند به حدی که در آن ایام کوتاه هفتاد و پنج روزه بعد از پدر فرمود: مصائبی که به دل من وارد شده اگر بر خورشید تابان اصابت می کرد تاریک می گشت . خداوندا، معبودا، تو را سوگند می دهم به پیامبر خاتمت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم و وصی گرامش علی مرتضی علیه السلام و دختر عظیم الشان و پاره تنش و بهجت قلبش سیده النساء در ظهور مهدی مصلح و منتقم روحی و ارواح العالمین له الفداء تعجیل فرموده ما را در زمره یاران و اعوان حضرتش محسوب بدار!